

تحصیل بدون کاغذ و قلم

مشق و تمرین و نوشتن بیاموزند یا هزینه سرسام آور تهیه لوازم التحریر از بازار آزاد را تأمین کنند. همچنانکه در اکثریت شماره ۱۲۲ قیمت آزاد برخی اقلام نوشت افزار اعلام شد دانش آموزان مجبورند برای خرید خود کار قلمز بیک حداقل ۱۴۰ ریال بپردازند.

ناتوانی در تهیه کاغذ و نوشت افزار برای رژیم ورشکسته ولایت فقیه که تمامی امکانات راد خدمت جنگ قرار داده است، مقامات مسئول راه چاره اندیشی واداشته است. ابتدا اکر می وزیر آموزش و پرورش اعلام داشت برای ما جنگ در پیاده در صفحه ۲

با فرار رسیدن مهرماه، ۱۱ میلیون دانش آموز سال تحصیلی جدید را آغاز می کنند. در مقابل این دانش آموزان که همچنان با مشکلات دبیرین دست به گریبانند مشکلات جدیدی می افزایند. خفقان حاکم بر مدارس، کمبود معلم، پائین بودن کیفیت آموزش، توطئه های رنگارنگ برای به چپه کشاندن دانش آموزان، تبعیض های آموزشی، کمبود ویا نبود مدرسه و فضای آموزشی، کمبود کتاب، تحمیلات و محدودیتهای ویژه دختران دانش آموز و ده ها مورد دیگر، مسایل دیرینه ای هستند که اکنون در آغاز سال تحصیلی، مشکل نبود نوشت افزار به شکل حادی بر آن افزوده گشته است. دانش آموزان می بایست بیا بدون

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲ شهریور ۱۳۶۵ - پیرایر ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۶
بها ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۲۵

جنگ هفت ساله شد

جنگ هفت ساله شد و خمینی در این زمینه بر هیتلر نیز پیشی گرفته است. این فقیه جنگ طلب، جنگر همواره می خواهد. آیا جنگ، همواره خواهد ماند؟ بیگمان نه! اما چه زمانی پایان خواهد گرفت؟

خمینی و صدام و زره برتن پوشان و مشیر برکف گذاران شان تداوم جنگ را سبب ساز بوده اند. همه این نیروهای شر، در میدان بر آتش جنتی که مردم قربانی آن هستند، متحدند. اما نیروی صلح و زندگی که توانا تر از نیروی جنگ است، متحد نشده است. نیروی صلح اگر که متحد شود می تواند جنگ را پایان دهد. نیروی مردم متحد، دشمن جنگ طلب را منکوب خواهد کرد.

نیروهای جنگ طلب همان کرده اند که می باید. آیا همه نیروهای صلح نیز همان کرده اند که می باید؟ تمام نیروهای مترقی و همه شخصیت های میهن پرست ایرانی خواستار صلح هستند. این اشتراک نظر البته دستاورد گرانقدری است. اما آیا ما بازا' آن، که اشتراک عمل آگاهانه در راه صلح است نیز فراهم آمده است؟ نه! بدینگونه، جنگ طلبان فرصت یافته اند، جنگ را هفت ساله کرده و ادامه دهند.

آن کسانی که تنگ نظران، از اتحاد در مبارزه برای صلح می گیرند و منافع حقیر فرضی خویش را از برقراری صلح برتر می شنند و نخواستند که نیروی صلح علیه جنگ متحد شود، مسئولیت سنگینی برعهده دارند. آنان چه دارند که برای گریز از اتحاد عمل در راه صلح بگویند؟ اکنون که جنگ هفت ساله شده است، مایکبار دیگر همه نیروهای مترقی ایرانی را که خواهان صلح نیز هستند فراموشی و ظایف انقلابی و ملی خود را در این زمینه دریابند و در راه اتحاد مبارزه مردم در راه صلح به همه وظایف خود عمل کنند. بدینگونه ظلیعه پایان جنگ پدیدار خواهد شد.

خوزستان جنگ زده



می ترسد، جمعیت جنگ زده و آواره، جمعیتی که گرسنه است، جمعیتی که همواره عزادار است. اهواز چهره یک یادگان را به خود گرفته است. قطاری که به اهواز وارد می شود، زنده ها را در خود جاداده است و قطاری که از اهواز خارج می شود، حامل مرده ها است، مرده ها و مجروحین.

بقیه در صفحه ۸

اینجا سوسنگرد است. شهری از شهرهای خوزستان؛ و شهر که نه، ویرانه ای و ماتمکده ای. خرمشهر نیز چنین است، آبادان و شادگان نیز. حتی ویرانه تر و متروکتر. سیمای اندیشک و دزفول نیز این گونه است. اهواز پیر و خسته که جای خود را دارد، تجسم همه دردهای خوزستان است. اینجا و آنجا ویران گشته است، دارد از تراکم جمعیت

زندان "بنیاد عفت" برای زنان معتاد

برای "مقابله" با این پلای هستی سوز زده است. برای تبعید زنان معتاد، زندانی در شهر کرمان ساخته شده و "بنیاد عفت" نامگذاری شده است.

آیت الله موسوی بجنوردی، عضو شورای عالی قضایی در توضیح اینکه این زندان برای چه کسانی ساخته شده است می گوید: "زنانی را که تشخیص دهم دست بردار نیستند و چندین بار سابقه دارند به آنجا تبعید می شوند." (زن روز ۲۲ آبان ۶۴)

وی در پاسخ به این سوال که برای باز پروری زنان معتاد در این مرکز چه اقداماتی انجام می شود، بقیه در صفحه ۲

در سالهای اخیر اعتیاد گسترش بی سابقه ای یافته است. گسترده کی این پلای خانما سوز بسیاری از زنان ستم دیده میهن ما را نیز به کام خود کشیده است. اکنون زنان، ۱۰ درصد افرادی را تشکیل می دهند که در ارتباط با مصرف مواد مخدر زندانی شده اند. غول اعتیاد، زندگی خانواده های بسیاری را با خطر انهدام روبرو ساخته است. طبق آمار خود رژیم تنها در ۵ ماهه آخر سال ۶۲ حداقل روزانه ۱۴ کانون خانوادگی به دلیل اعتیاد شوهر از هم فرو پاشیده است. با چنین ابعاد فاجعه باری، رژیم جمهوری اسلامی دست به ایجاد "بنیاد" دیگری

در این شماره

● تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

در صفحه ۶

● در جشن "اومانیته"

در صفحه ۱۴

● خزان غزلی از مولوی

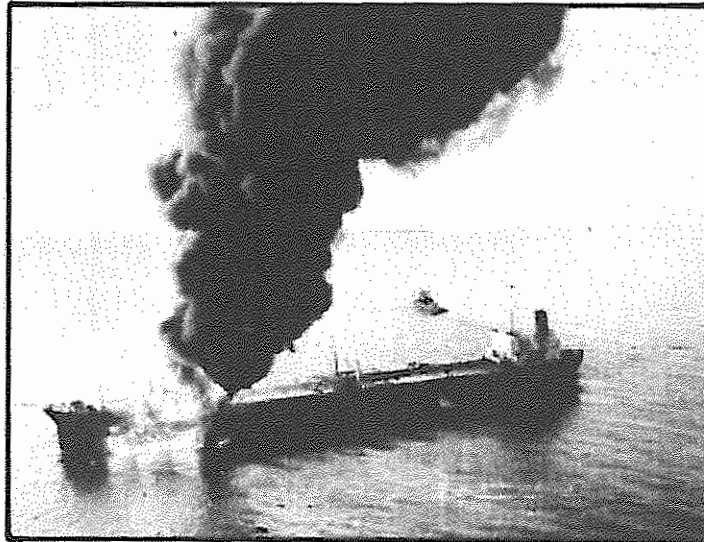
در صفحه ۱۱

● پیرامون بخشنامه جدید "راه کارگر"

در صفحه ۱۲

بقیه از صفحه آخر

جنگ ایران و عراق در مطبوعات غرب



کشتی رانی "میزان حضور نظامی ایالات متحده در منطقه هنوز کافی نیست. به نوشته همین روزنامه، مقامات وزارت دفاع آمریکا از این که عربستان سعودی، تعداد کشتی های دریایی خود را در خلیج فارس تنها به مقدار کمی افزایش داده است، ابراز نارضایتی کرده اند. مجله "تایم" در شماره اول سپتامبر خود نوشت: "این چشم انداز هر چند ضعیف که ایران بتواند نفوذ خود را به عقب بیشتری در داخل عراق و سپس تا آن سوی خلیج گسترش دهد، جدی تر از آن است که بتوان نادیده اش گرفت. از هم اکنون در کویت پنجره ها از صدای بمباران های توپخانه ایران که ۱۵ مایل بیشتر فاصله ندارد، می لرزند. عربستان سعودی و سایر کشورهای همسایه، به طور فزاینده ای نگرانند." تایم به نقل از گاری سیک، از مقامات پیشین شورای امنیت ملی آمریکا می افزاید "عواقب پیروزی احتمالی ایران، آن قدر بزرگ است که مایاید به دقت درباره آن بیاندیشیم."

"امیدوارم جنگ"

۳ ساله دیگر ادامه یابد"

دام زدن به تبلیغات کاذب درباره توان نظامی رژیم خمینی و مضاعف جلوه دادن قدرت بسیج نیروی آن، همان هدفی را دنبال می کند که در طول شش سال گذشته، جنگ ایران و عراق در خدمت آن قرار داشته است؛ انباشتر هر چه بیشتر منطقه از نیروها و سلاح های آمریکایی، نزدیک تر کردن روابط نظامی آمریکا و متحدین عریش در منطقه و در نهایت تبدیل منطقه خلیج فارس به سریل دیگری برای انجام نقشه های تجاوزکارانه علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای انقلابی و مترقی.

از این گذشته، همانگونه که تحولات منطقه در طی سال های جنگ ایران و عراق نشان داد، اسرائیل متحد استراتژیک آمریکا، مستقیماً از ادامه مخصوصه ای که مشی تجاوزکارانه این کشور را در قبال ملل منطقه تحت الشعاع قرار داده و از امکان مقابله کشورهای عربی با آن کاسته است، سود می برد. یک مقام اسرائیلی، در بیان این امر صراحت کاملی نشان داده و می گوید: "امیدوارم جنگ، ۲۰ سال

ایرانی ها موفق به پیشروی مهمی شوند، ممکن است صدام سرنگون شود شاید به دست افسران خودش. این امر می تواند به جنگ پایان دهد اما معلوم نیست خمینی را راضی کند. زیرا احتمال دارد وی همچنان بر ایجاد یک رژیم اسلامی در بغداد اصرار ورزد." رفسنجانی در "مذاکره تلویزیونی" خود، این "ایهام" را زدود و پاسخ "ناظران" کذابی را داد: نه آقایان، مطمئن باشید ما زیاده خواه نیستیم. اگر به جای صدام یک حکومت آمریکایی قدرت را در عراق در دست گیرد، "خیلی از مسایل حل می شود."

طرح "احتمال کودتا در عراق" در رسانه های امپریالیستی، صرف نظر از واقعی یا غیرواقعی بودن این احتمال، به روشنی رژیم خمینی را مورد خطاب قرار می دهد و به آینده مناسبات امپریالیستی ها با جمهوری اسلامی چشم دوخته است.

الدورادوا

امپریالیست ها، برپایه امپریالیست های اروپایی و ژاپنی، در همان حال که با حرص و ولعی بی پایان به گردآوری "نعمت" کنونی جنگ پرداخته اند، از تصور سودی که پس از پایان جنگ در ایران در صورت بقای رژیم جمهوری اسلامی نصیب شان می شود، از شوق در پوست نمی کنجند. آنها برای آینده مناسبات خود با رژیم ولایت فقیه حساب های

دیگر ادامه یابد. "تایم" ۲۸ ژوئیه (هنری کنی سینجر وزیر خارجه سابق آمریکا و از مشاوران عالی رتبه دولت ریگان نیز اظهار داشته است: "تنها جنبه منفی این موقعیت (ادامه جنگ ایران و عراق) آن است که تنها یکی از دو طرف، بازنده خواهد بود." (همان جا) میل کنی سینجر و دوستان اسرائیلی اش این است که بهتر است جنگ آنقدر ادامه یابد که آخرین ایرانی، آخرین عراقی را بکشد و بیرعکس.

"کودتا در عراق"

در شماره ۱۲۲ "اکثریت"، طی مقاله ای با عنوان "مذاکره تلویزیونی با آمریکا" خاطرنشان کردیم اظهارات رفسنجانی نماینده خمینی در شورای عالی دفاع جمهوری اسلامی، در اعلام نظر مساعد رژیم فقه در روی کار آمدن یک حکومت آمریکایی در عراق بی ارتباط با اشاراتی که در این رابطه در مطبوعات غرب آمده است، نیست. در ماه های اخیر، رسانه های امپریالیستی از قول "ناظران" پیش از پیش "احتمال کودتا در عراق" را مطرح می کنند. به عنوان نمونه، ماهنامه انگلیسی میدل ایست در شماره سپتامبر خود به این امر اشاره دارد. مجله آمریکایی "تایم" نیز در شماره ۲۸ ژوئیه، نوشت: "سپاری ناظران گمان می کنند اگر بصره، دومین شهر بزرگ عراق، سقوط کند و یا

زیادی باز کرده اند. به نوشته روزنامه "فرانکفورتر روندشائو" چاپ آلمان فدرال، هانس اولریش اشتورتس که از پنج سال پیش عهده دار ریاست "اتاق بازرگانی آلمان و ایران"، یعنی نمایندگی انحصارات آلمان فدرال در تهران بوده است، با "خوش بینی" به آینده روابط این انحصارات پارژیم خمینی می نگرد. وی پیش بینی کرده است با پایان جنگ ایران و عراق، در ایران "کوه هایی از طلا" به روی سرمایه گذاران خارجی باریدن خواهد گرفت. نماینده انحصارات آلمان فدرال، ایران پس از جنگ را به "الدورادو"ی صنایع و بانک های آلمان فدرال تشبیه کرده است.

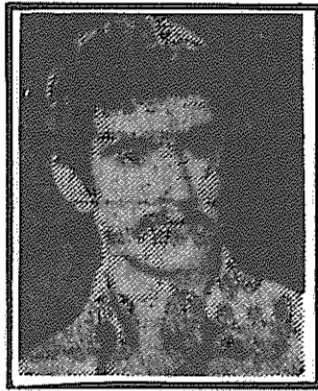
جنگ بی پایان؟

عنوان فوق را مجله آمریکایی "تایم" برای مقاله مبسوطی درباره جنگ ایران و عراق برگزیده است. این پرسش را می توان بدین گونه تعبیر کرد: جنگ ایران و عراق، که تاکنون در خدمت تامین منافع امپریالیست ها قرار داشته است، چگونه خواهد توانست همچنان بیشترین سود را برای آنها دربر داشته باشد؟ مطبوعات بورژوازی غرب وانمود می کنند که آمریکا و متحدانش، امکانات کمی برای تاثیر گذاختن بر مسیر تحولات جنگ ایران و عراق در اختیار دارند. هدف آنها این است که مسئولیت کشورهای امپریالیستی را در ادامه کشتار و ویرانی در این دو کشور بپوشانند. واقعیت آن است که طرفین درگیر، در صورت قطع ارسال اسلحه از غرب، مدت زیادی نخواهند توانست به جنگ ادامه دهند. صادرات اسلحه به ایران و عراق، با آگاهی و موافقت کامل دولت های امپریالیستی صورت می پذیرد. مانورهایی از قبیل برنل کردن معامله ۲/۵ میلیارد دلاری تسلیحاتی به جانب جمهوری اسلامی، آمریکا و اسرائیل، به هیچ عنوان دلیل بر آن نیست که انجام سایر معاملات از این قبیل، علیرغم میل دولت آمریکا است. کشورهای امپریالیستی و انحصارات تسلیحاتی غرب، مسئولیت اصلی را در جنگ، در جنایات رژیم های خمینی و صدام و در کشتار مردم ایران و عراق دارند. آنها همدستی ننگین خود را تا زمانی ادامه خواهند داد که در تغییر وضعیت، منافع بیشتری جستجو کنند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!

به یاد رفیق حسین فلاح پور

پر شور و آگاه، بی باک و هوشیار



چنین کمونیستی ایران - سازمان مایکی از رزمندگان پر شور خود را از دست داد. فدایی خلق، رفیق حسین فلاح پور، روز ۲۱ تیر ماه سال جاری در نتیجه سانحه‌ای ناگوار درگذشت.

رفیق حسین فلاح پور قادی کلائی، در سال ۱۳۲۵ در یک خانواده کارگری متولد شد. زندگی در میان خانواده‌ای که تازیانه سرمایه‌پر کرده‌اش نقش انداخته بود، خصایل برجسته‌ای در وی پرورش داده بود. فروتنی و بردباری همراه با درایت و شجاعت انقلابی، عشق به مردم و نفرت از دشمنان مردم از خصوصیات بود که در چنان حسین ریشه دوانده بود. طلوع انقلاب بهمین، شعله‌های آتش عشق و ایمان او را به رزم سعادت آفرین مردم فروزان تر ساخت. رفیق حسین از هیچ تلاشی در روشنگری و بسیج مردم برای انقلاب فروگذار نبود. از همه توان و استعداد خود برای انقلاب مایه گذاشت.

این شه‌زال و جوشان مبارزه، در جریان انقلاب به درباری رزمندگان سازمان پیوست. پس از این پیوند حسین به مثابه یک فدایی خلق انرژی و کارایی تازه‌ای

زندان "بنیاد عفت"...

بقیه از صفحه اول

می‌تسوسید. "تأخیر بودن که مقدمات اجازه داده و برادران ما توانسته‌اند در این شرایط بوجود بیاورند هست، یعنی محکوم در عرض ۲۴ ساعت لااقل بیکار نیست، روایتی را حفظ میکند، برنامه‌های فرهنگی هست، سرودهایی می‌خوانند و آماده می‌شوند."

براستی این زنان بهیچاره‌ای در چنانال اعتیاد با چنین برنامه‌های ویژه درمانی آچار برای ابتلا به جنون و دیوانگی آماده می‌شوند؟ آیت الله در مقابل سؤال برستگاری که می‌برد آیا از افراد متخصص که در زمینه درمان معتادین فعالیت کرده و تجربه داشته باشند استفاده می‌شود؟ می‌گوید: "افراد دلسوخته مشکلات اجتماعی لمس کن، دوره دیده، یعنی آنکه تکلیف میدانند زنده کردن انسان را این طور افراد آنجا هستند و تلاش میکنند و خون دل می‌خورند که یک فردی ساخته شود."

عضو شورای عالی قضایی در پاسخ به این مساله که درمان معتادین کار بسیار ظریفی است و هر فردی از عده آن برنمی‌آید و آیا افرادی که در این مرکز در کرمان هستند این ویژگیها را دارند، اضافه می‌کند: "ممکن است اول این ویژگیها را نداشته باشند ولی بتدریج با برخوردی که در این مدت طولانی بعد از انقلاب داشته‌اند قلعاعبه یک سری تجاربی رسیده‌اند"

به نظر نمی‌رسد که توضیح بیشتری برای بیان کیفیت این متخصصین "دوره دیده" نیاز باشد. از اینگونه "دلسوختگان مشکلات اجتماعی لمس کن" رادر گشت‌های مختلف بازارها و یا زینب و... در کوچه و خیابانها بسیار دیده‌ایم.

در این زمینه صحبت الاسلام زرگر سرپرست دادسرای مبارزه با مواد مخدر، لب مطلب را بی‌دغدغه خاطر بیان داشت:

"خود فرد باید محکوم شود، جامعه که مسئول نیست، این آدم چی می‌خواهد؟ ما هر امکاناتی که فکر می‌کرده برایش فراهم کردیم." زندان و شکنجه روانی و جسمی آن امکانی است که رژیم جمهوری اسلامی برای انسانهای دردمندی که قربانی سیاستهای هستی برانداز حکومتگران مرتجع و جنایتکار شده‌اند، تدارک دیده است.

می‌بایست دشواری‌های تازه‌ای را تحمل کند. گذر از رنج چنین سختی‌هایی به درایت و آگاهی و شور انقلابی نیاز داشت. حسین همیشه بر سختی‌ها فایز بود. او با خلایق و هشیاری توانسته بود وظایف خود را در رابطه با تشکیلات سازمان در مازندران به پیش برد. این فدایی خلق با هشیاری، دسایس ارکان‌های سرکوب را که در جستجوی او بودند، خنثی کرد. رژیم به اودست نیافت اما سانحه‌ای جانگذاز او را از ما و از جنبش گرفت. حسین در تاریخ ۳۱ تیر ماه هنگامی که از یک ماموریت سازمانی، از مازندران به مرکز سکنش بازمی‌گشت در جاده هراز در سانحه رانندگی چان خود را از دست داد.

یادش گرامی باد

نوبت توزیع دیگر صورت می‌گیرد. با توجه به معیارها و فرهنگ حاکم بر گفتار مسئولین جمهوری اسلامی، این سخن به معنای اعلام رسمی این امر است که در سال تحصیلی جاری توزیع دیگری صورت نخواهد گرفت.

لازم به تاکید است که اکنون دیگر در هیچ مغازه‌ای لوازم التحریر به نرخ‌های سابق به فروش نمی‌رسد و تنها با نرخ‌های بازار آزاد می‌توان نوشت افزار را به چنگ آورد.

وزیر بازرگانی در پایان این مصاحبه که در اطلاعات ۱۸ شهریور درج شده است، از اولیای دانش‌آموزان خواست "از موقعیتی که به دست آمده جهت آموزش قناعت و صرفه‌جویی به کودکان استفاده کنند" و از دانش‌آموزان خواست "با مراقبت از لوازم خود دولت را در این مقصد یاری رسانند."

براستی که فلاکت و ورشکستگی از تک تک گفته‌ها و طرح‌های مسئولین رژیم هویدا است.

آغاز سال تحصیلی در ایران

تحصیل بدون کاغذ و قلم

بقیه از صفحه اول

یک دانش‌آموز روستایی ۷ عدد دفترچه می‌تواند خریداری کند.

* کیهان ۱۶ شهریور - معاون پژوهش و برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش اعلام نمود که اسال بین کلیه دانش‌آموزان دوم تا پنجم ابتدایی یک جلد کتاب کهنه پارسال توزیع می‌شود. بهای کتاب‌های کهنه معادل بهای یک کتاب نومی باشد.

وزیر بازرگانی در پاسخ به این پرسش که نوشت افزار توزیع شده برای به مدتی خواهد بود و نوبت بعدی توزیع نوشت افزار کی فرا می‌رسد، گفت: "این امر به امکاناتی که به دنبال آن هستیم بستگی دارد. طبق پیش‌بینی ما تا چهارماه دیگر یک

اواسویت قرار دارد و از معلمین خواست که برای دانش‌آموزان تکلیف و متن تعیین نکنند تا در مصرف کاغذ صرفه‌جویی شود. سپس حسین عابدی جعفری وزیر بازرگانی طی یک مصاحبه مطبوعاتی، طرح توزیع نوشت افزار برای مقاطع مختلف تحصیلی را تشریح کرد. براساس این طرح سهمیه نوشت افزار تعیین شده برای هر دانش‌آموز، از طریق مدارس به دانش‌آموزان فروخته خواهد شد. براساس این طرح یک دانش‌آموز اول ابتدائی یک مداد تراش، یک خودکار، یک مداد قرمز، ۵ مداد مشکی، یک دانش‌آموز متوسطه ۲ خودکار، ۲ مداد مشکی و یک دانشجو خودکار می‌تواند دریافت دارند. در مورد کاغذ نیز وضعیت بهمین نوال است بطور مثال یک دانش‌آموز ابتدایی در شهر مجموعاً ۱۱ عدد دفترچه

نوسان بهای نفت

اطلاعات ۱۹ شهریور - بهای نفت که در طول چند هفته اخیر سیر صعودی یافته بود، مجدداً اندکی کاهش یافت. به گزارش خبرگزاری فرانسه بهای نفت وست تگزاس اینتر میدیت (ملاک عمل در بازارهای نفت آمریکا) ۷۲ سنت به ازای هر بشکه کاهش یافته و به بشکه ای معادل پانزده دلار و شصت و دو سنت رسید. جدا از عوامل موثر در نوسان بهای نفت در بازارهای جهان، مطبوعات غرب از جمله مجله "اکونومیست" و روزنامه آمریکایی "کریستین ساینس مانیتور" علت کاهش بهای نفت را ذخایر نفتی غرب و عرضه بیش از تقاضا اعلام کرده اند. باید افزود که سازمان کشورهای صادره کننده نفت (اوپک) در ماه آینده میلادی تحولات بازار جهانی این کالا و همچنین نوسانهای بهای نفت را مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهد داد.

تبعید پزشکان اعتصابی

در پی دستگیری عده زیادی از پزشکان کشور که در اعتصاب تیرماه شرکت داشتند، هفته گذشته اعلام شد، عده ای از پزشکان دستگیر شده را به شهرهای دور دست تبعید کرده اند. مدت تبعید پزشکان حداقل یک سال اعلام شده است. رئیس پیشین سازمان پزشکی از جمله پزشکان تبعیدی می باشد. پیش از اعلام این خبر، دکتر منافی رئیس منصوب سازمان نظام پزشکی اسلامی در گفتگویی با خبرنگاران در تبریز گفته بود رژیم تصمیم دارد عده ای از پزشکان دستگیر شده را مجازات کند. نامبرده در این گفتگو که در روزنامه اطلاعات ۱۷ شهریور بازتاب یافته است، اظهار داشت، "عده ای از این افراد که به شهرستانها نامه نوشته و پزشکان را دعوت به اعتصاب کرده بودند، توسط مقامات مسئول و قضایی کشور دستگیر شده اند... و کسانی که جرمهای سنگین داشته اند، مسلماً کیفر خواهند دید". منافی همچنین از شورای نگهبان درخواست کرد که در نظر خود راجع به سازمان نظام پزشکی اسلامی تجدیدنظر کند. شورای نگهبان لایحه مصوبه تأسیس سازمان نظام پزشکی را مغایر با قانون اساسی جمهوری اسلامی اعلام کرده است.

فشار سپاست مالیاتی رژیم
بر کارمندان

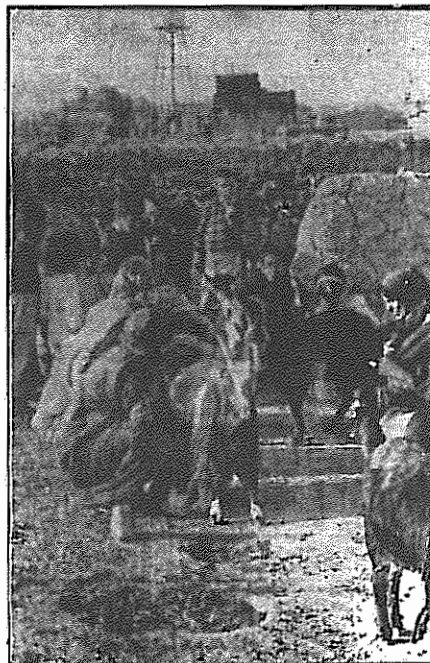
اطلاعات ۱۶ شهریور - ماجدی قائم مقام وزارت امور اقتصادی و دارایی در گفتگویی با روزنامه اطلاعات اعتراف کرد بهار سنگین مالیات، بردوش حقوق بگیران ثابت و از جمله کارمندان است. وی از جمله گفت: "این که گفته می شود مالیات کارمندان در حال حاضر بیشتر است و بار مالیاتی بردوش آنهاست حرف درستی است و باید آنرا پذیرفت چون میزان درآمد کارمندان مشخص است و طبیعتاً می توانیم میزان مالیات آنها را دقیقاً تشخیص دهیم." قائم مقام وزارت امور اقتصادی و دارایی فاش ساخت که در چهار ماهه اول سال جاری مالیات کارمندان ۲۵ درصد رشد داشته است.

اخباری از جنگ

روز شنبه ۲۹ شهریور، ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی علی اطلاعاتی اعلام کرد نیروی هوایی جمهوری اسلامی به بمباران تاسیسات راداری رواندود عراق واقع در شمال این کشور و ۵۰ کیلومتری مرز ایران اقدام نموده است. رژیم جمهوری اسلامی در هفته گذشته اعلام کرد یک حمله هوایی عراق را به شهر اهواز خنثی ساخته و در اثر آتش ضد هوایی، هواپیماهای عراق ناگزیر به فرار شده اند. در این هفته هواپیماهای عراقی بار دیگر به تاسیسات نفتی خارک حمله کردند. جمهوری اسلامی اعلام کرد که ۴ فروند از هواپیماهای عراق را در حوالی خارک سرتکون کرده است. رژیم عراق به سقوط یک فروند چنگنده خود اعتراف کرده است.

در هفته گذشته، جمهوری اسلامی به یک نفت کش کویتی حمله کرده و نفت کش کویتی را به آتش کشید. بنا به گزارشات منابع منطقه حمله به نفت کش کویتی به وسیله یک ناوچه رزمی ایران صورت گرفته است. این حمله بار دیگر بر تشنج منطقه افزود. هیات دولت کویت در اولین برخورد رسمی خود، این اقدام جمهوری اسلامی را به شدت محکوم نمود. روزنامه های دولتی جمهوری اسلامی اعلام کردند تنها در عملیات کربلا - ۲، ۱۱۵ تن از "مجاهدین عراقی" کشته شده اند. مجاهدین عراقی تعدادی از مهاجرین و معاودینی هستند که جمهوری اسلامی آنان را وادار به شرکت در جنگ کرده است. با توجه به این که عده این افراد درخور توجه نیست، تعداد زیاد تلفات آنان نشان دهنده تلفات سنگین نیروهای ایرانی و فاجعه پدید آمده در عملیات کربلا - ۲ است.

زنان و کودکان روستایی



روستای احمدآباد از توابع سنجان - زنان و کودکان در تلاش برای گذراندن زندگی، با همه دشواری های گفته و ناکفته آن. کارکردن و از غم ها و آرزوهای سخن راندن. با کار طاقت فرسا باید ادرا به تاریکی شب دوختن. تکرار هر روزه سختی ها و مشقات.

تکرار یک دعوت

شافعی وزیر صنایع جمهوری اسلامی در جمع گروهی از سفرا و نمایندگان سیاسی خارجی و مدیران غرفه های نمایشگاه بین المللی تهران، به تشریح سیاست دولت در مورد سرمایه گذاری بخش خصوصی پرداخت. وزیر صنایع جمهوری اسلامی از سرمایه داران کشور "دعوت کرد" تا در صنایع واسطه ای و صنایع دیگر سرمایه گذاری کنند. شافعی از سرمایه داران خواست تا در زمینه صنعت قند در خراسان، کارخانه های تولید خمیر کاغذ، لاستیک، شیرخشک و غذای کودک، تولید سموم و دفع آفات، سیمان و مواد واسطه ای آلی و معدنی، به فعالیت بپردازند.

هاشمی مشاور صنعتی موسوی نخست وزیر نیز در رابطه با سرمایه گذاری بخش خصوصی و امنیت سرمایه گذاری در جمهوری اسلامی گفته است: "امنیت سرمایه گذاری در ایران کاملاً وجود دارد و بارها اعلام شده است. ارز در حدی که به هر حال موجود باشد در اختیار آن ها گذاشته می شود و امکانات زیربنایی هم دولت در اختیارشان می گذارد و آقایان می توانند انجام دهند."

شناسنامه آماری استان های ایللام و یزد

اطلاعات ۱۸ شهریور - شناسنامه آماری استان ایللام از سوی مرکز آمار ایران منتشر شد. براساس این شناسنامه استان ایللام در آخرین برآورد آماری سال ۶۲، بالغ بر ۵۰۷ هزار نفر جمعیت داشته که تراکم جمعیت در این استان ۱۶/۲ نفر در کیلومتر مربع است. ۵ مطلب پزشکی و دندانپزشکی از ۷ مطلب موجود در کل این استان در شهر ایللام قرار دارد. به غیر از شهر ایللام که دارای دو بیمارستان است، در هیچ نقطه ای از این استان بیمارستانی وجود ندارد.

اطلاعات ۱۷ شهریور - از سوی مرکز آمار ایران نشریه "شناسنامه استان یزد" منتشر شد. استان یزد بر طبق آخرین برآورد مرکز آمار ایران ۵۳۶ هزار نفر جمعیت داشته که تراکم جمعیت در کل استان ۷/۷ نفر در کیلومتر مربع است. اکثر امکانات بهداشتی و آموزشی در یزد مرکز استان متمرکز بوده و سایر شهرستان ها و شهرهای استان فاقد امکانات بهداشتی و آموزش عالی هستند. در سال ۱۳۶۲ از ۱۳ بیمارستان موجود در این استان و ۱۲۰ مطلب پزشکی و دندانپزشکی تنها ۲ بیمارستان و ۱۰ مطلب در دیگر شهرهای استان واقع شده بودند.

تأسیس دانشگاه های خصوصی

اطلاعات ۱۵ شهریور - فرهادی وزیر فرهنگ و آموزش عالی جمهوری اسلامی در یک گفتگو با روزنامه اطلاعات اعلام کرد که در جمهوری اسلامی سرمایه داران می توانند موسسات آموزش عالی دایر کنند. وی گفت: "ما در کنار دانشگاه های دولتی، موسسات آموزشی خصوصی نیز خواهیم داشت و در همین رابطه تاکنون تقاضاهایی رسیده است."

چشم در پیر ابر چشم

کسانی که به اتهام شرکت در ماجرای جنایتکارانه بمبگذاری در خیابانی در شهر قم دستگیر شده بودند، اخیراً به اعدام محکوم گردیدند. حجت الاسلام ری شهری وزیر ساواک جمهوری اسلامی ضمن اعلام اعدام قریب الوقوع این افراد، برده از طرحی مخوف و جنایت بارتر که رژیم ولایت فقیه در تدارک آن است، برداشت. وی گفت باید نظر گرفتن قضایات آیت الله مشکینی و سانعی، محکوم شدگان قبل از اعدام، قصاص خواهند شد. رئیس ساواک رژیم فقها که در دولت موسوی عنوان وزیر اطلاعات را دارد، رسماً اظهار داشت که باید ابتدا دست و پا و گوش منتهین را بریده و چشمان آنان را از حلقه بیرون آورده و آن گاه حکم اعدام اجرا گردد. بیعتی این گونه، که هیچ سفتی را در توصیف آن نمی توان یافت، در انطباق با قوانین رژیم فقهاست. (منبع - اطلاعات ۱۸ شهریور)

پروژه پتروشیمی اراک چگونه احداث می شود؟

کمیتهان هوایی ۱۹ شهریور - قرارداد احداث پروژه پتروشیمی اراک با مشارکت وزارت نفت و بانک ملی با سرمایه ای معادل ۱۰۰ میلیارد ریال به امضا رسید. بنا به این گزارش ۷۰ درصد مبلغ سرمایه گذاری شده، صرف تامین هزینه های ارزی خواهد شد. پیش از این روزنامه اطلاعات ۱۰ شهریور فاش ساخته بود که این طرح با همکاری پیمانکاران اروپای غربی اجرا خواهد شد. آفازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی که خبر احداث این پروژه را طی یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام کرد، کمترین اشاره ای به منبع تامین ارز این پروژه ننمود و در عین حال نامبرده نام انحصارات امپریالیستی را که در احداث پتروشیمی اراک "همکاری" می کنند را نیز فاش نساخته است.

از همه جا برای جنگ

اطلاعات ۱۲ شهریور - موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی طی بخشنامه ای از کلیه وزارتخانه ها، سازمان ها و موسسات دولتی خواست کلیه تاسیسات، امکانات و ابزارهایی که "می تواند مورد استفاده جنگ و جبهه ها قرار بگیرد" را پس از شناسایی به ستاد پشتیبانی جنگ شهرستان ها و یا استان ها تحویل دهند. بخشنامه اخیر نخست وزیر جمهوری اسلامی رسمیت بخشیدن به روالی است که از مدت ها پیش در نهادهای دولتی دنبال می شود.

بودجه آموزش و پرورش حذف می شود

اطلاعات ۱۹ شهریور - مجلس شورای اسلامی بررسی لایحه "نحوه مشارکت مردم در آموزش و پرورش" را آغاز کرده است. دری نجف آبادی رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس صریحاً اعلام کرد که تامین هزینه های آموزش و پرورش برعهده مردم خواهد بود. وی اظهار داشت، "با توجه به وضع ناپایدار نفت و مشکل کمبود بودجه، دولت توان تامین بودجه آموزش و پرورش را ندارد. از این رو، با توجه به نظریه امام، برای گسترش آموزش و پرورش، باید از کمک مالی مردم بیشترین بهره گیری را داشته باشیم." براساس مصوبه مجلس، دولت موظف شده است که به این منظور تا دوماه دیگر "لایحه نحوه مشارکت مردم در آموزش و پرورش" را تهیه و جهت تصویب به مجلس ارایه کند.

از میان دیگر رویدادها

* اطلاعات ۱۷ شهریور - "به منظور هماهنگی و حضور هر چه فعال تر پرسنل وزارت نیرو در امر جنگ به زودی سازمان آب و برق کربلا با هدف پیچ و سازمان دهی هر چه بیشتر امکانات وزارت نیرو تشکیل خواهد شد."

* اطلاعات ۱۹ شهریور - "فراپتاک" سفیر آلمان فدرال در جمهوری اسلامی با وزیر راه و ترابری دیدار و گفتگو کرد. سفیر آلمان فدرال طی این دیدار اظهار داشت، "من از طرف کشورم ماموریت دارم برای ایجاد روابط هر چه بهتر با کشور شما تلاش کنم."

* اطلاعات ۱۹ شهریور - تمامی رئیس کمیسیون کار مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که لایحه قانون کار در شور اول به تصویب اعضای کمیسیون کار و امور اداری و استخدامی مجلس رسیده و آماده ارایه به مجلس شورای اسلامی است.

* کمیتهان ۱۷ شهریور - شهرداری شورای اسلامی به کسانی که وسیله نقلیه خود را به صورت موقت و یا قولنامه به افراد واگذار می کنند، هشدار داد. باید خاطرنشان ساخت که دولت خرید و فروش وسایل نقلیه را آزاد اعلام کرده است و شهرداری با این هشدار هدف دریافت مالیات و عوارض انتقال اتومبیل ها را دنبال می کند.

* زنجانی وزیر برنامه و بودجه جمهوری اسلامی فاش ساخت "درآمدهایی که فقها بخش بازرگانی دارد نزدیک به کل بودجه کشور است."

* دو کارگر دیگر در اثر نبود سیستم های محافظتی دچار سانحه شده و جان باختند. این دو کارگر که در کارخانه چسب سازی چاده دماوند کار می کردند، دچار حریق شدند و درگذشتند.

* کمیتهان ۱۹ شهریور - بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی در گردهمایی یک روزه مسئولین ستادهای پشتیبانی کارخانجات بر همکاری و هماهنگی هر چه بیشتر صنایع کشور با جنگ تأکید ورزید. طبق قرار پیشین، بسیاری از خطوط واحدهای تولیدی کشور، به تولید جنگ افزار و مایحتاج جنگی اختصاص یافته اند. نبوی بر این هماهنگی و همکاری صنایع با جنگ نام "حماسه تولید دفاعی" نهاد.

مردم چه می کنند

از نامه های خوانندگان به روزنامه ها

یکشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۶۵ -

پیرمردی هستم که تنها وسیله معاشم یکدند ماشین تحریر بوده که آنرا هم ماموران سد معبر بیفا برداشتند. پس از پرداخت جریمه از طرف دادگاه حکمی صادر شد که ماشین تحریر را برگردانند و وقتی بانبار شهرداری مراجعه کردم گفتند که ماشین تحریر از انبار بسرفه رفته است.

پس از ۴۰ روز رفت و آمد و بیکاری قرار شد که مشابه و یا غرامت آنرا بسدهند و از طرف شهرداری هم قرار شد ماموری این قضیه را

پیگیری کند، که خدا گواه است تا امروز آن مامور را پیدا نکردم. حال از ظلم ماموران سد معبر بشما شکایت می کنم زیرا که مدت چهار ماه است مرا مثل توب قوتبال اینطرف و آنطرف پرتاب می کنند و رفع ظلم نمیتایند.

در این مدت بیکاری، تمام هستم از دستم رفته است، آخر چرا دادگاهی که حکم استرداد ماشین را صادر کرده پیشری برای آن ارزش قائل نیستند.

حدود یک ماه و نیم پیش تصمیم گرفتم دختر کوچکم را که در کلاس سوم راهنمایی تحصیل می کند به کلاس زبان بفرستم بدین منظور او را در یکی از زبانگدهای اهواز ثبت نام کردم. او بطور مرتب در کلاسها شرکت می کرد و سر ساعت هم به منزل برمی گشت.

ولی چند روز پیش که قرار بود در ساعت ۱۱/۵ صبح به منزل باز گردد از او خبری نشد، کم کم دلهره واضطراب سراسر وجودم را فرا گرفت. دلهره آنچنان بود که نمی توانستم روی پای خود بند شوم لاجرم با حال زار بوسیله تاکسی سرویس به زبانگده مراجعه کردم، در آنجا بسته بود، اکثر بیمارستانهای شهر را زیر پا گذاشتم ولی از دخترم خبری نبود. بر سر زنان مجدداً به زبانگده برگشتم و مشاهده کردم که قبل از من پدر و مادرهای دیگری در آنجا جمع شده اند در همین وقت بود که احساس کردم یک طرف بدنم بی حس شده و حالم بهم خورد و نقش زمین شدم وقتی بهوش آمدم خود را در بیمارستان دیدم.

بعد متوجه شدم در آنرا گشت کمیته ساعت ۱۱ به جلوی زبانگده می رسند و تمام دانش آموزان را در ماشین گذاشته و به کمیته می برند و پس از اعتراض پدر و مادرها آنان را آزاد می کنند. در آن بازداشت چند ساعته آنها به دخترم می گویند که ولباس پوشیدنت عیبی ندارد ولی سعی کن رنگ مانتو را تیره انتخاب کنی و سپس او را آزاد می کنند. اما آنان نمیدانند پس از آن مادر این دختر دچار شوک شدید و سگته گردید و در حال حاضر نمی تواند منزل، گذشته از بجهایش مواظبت کند.

کمیتهان

یکشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۶۵ -

از دوسال پیش تاکنون، واداره کل کتابخانه های عمومی کشور، اقدام به برپائی کلاسهای کوتاه مدت آموزشی کتابداری برای کتابداران زیر پوشش خود در سراسر کشور کرد. این کلاسها باجمیاری و همکاری گروهی از مدرسان و کتابداران برگزار گردید.

چند روز پیش شنیدم که مسئولان مربوطه تحولاتی را در نحوه برپائی کلاسها و کم و کیف آن صورت دادند که از جمله این تحولات اسلامی کردن ضوابط و برگزاری کلاسهاست. سخت مایه حیرت شد که به خاطر اسلامی کردن کلاسها، همکاری مد سان مؤت مطرح نخواهد بود.

چرا هر جا که می خواهند ضوابط اسلامی را مطرح کنند، اول می گویند زن نه! آیا آن زمانی که با تمام خطرات راه و کار، خود و خانواده خود را فراموش کردم، حرکتی را آغاز به انجام رساندم، هرگز در مورد زن و مرد بودن فکری نکردم، چرا لااقل به فکر این نیفتادم که تشکری مختصر بکنم و آنگاه زن را همچون شیئی عتیقه به کناری بگذارم. چرا به نام اسلام این چنین ایجاد تفرقه می کنند.

البيان

عليه توطنه اخراج

علیه بیکاری
بیا خیزید!

کارگران و کارکنان زحمتکش ایران خودرو!

رژیم جنگ افروزمی می خواهد با اخراج و قطع دستزد ناچیز شما و با اعزام اجباری شما به جبهه جنگ و پراکندگی حیات تنگین خود را وابسته به آن میدانند باز هم ادامه دهد.

کاریان مبارز ایران خوددرو!

[illegible]

زنده باد صلح، زنده باد آزادی

مرک پروژیم خمینی

سازمان فدا ایان خلق ایران (اکثریت) - عرب تهران



عليه رزيم جنك افرو زخميني

عليه اخراج و گرانى ساخيريم

مردم زحمتکش و شرافتمند!

[illegible]

علیه جنگ و از دام به چیده، علیه بیگاری و گزانی، علیه تشبیل شدن کارخانه ها و اخراج کسب و کاران
اعتراض کنید! شعارات و اعتصاب کنید! از مردم هیچ شایسته و بیایستاده و بی پروایی بر نیروا! افتاء کنید!
برای شاد کردن سرگوشی و زبیدار و خوشی شایسته! از تیروهای اعتقادی کوهبار سرگوشی را بیرون
بیاور! این آستانه دشمنی است! سلطنت طلبان و رنکته و استحقاق بی همه کار و آرزوی خام
با گفتن سلطنت و چاپیدن و برباد مردم هیچ کس نشسته اند! رنکته و استحقاق بی همه کار و آرزوی خام
لباس الهی فرست طلب و زنگار و زعفران و دوزخ آری! دست ما از دست سلطنت طلبان بر آویز!
خواهان و عدالتخواهان! با منبر شایسته، از حق آتش و خوراک
ما زبان نداشتن! خلق ایران! (خورشید کسمرستان) از روزگار و زمینستان ما چنین ما علیه
انرجار و امیرالاسماست و مدافع آزادی و بهر روز و حقوق دستمزد و محرومان میباشد بیبوتید!
زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر رژیم خمینی

سازمان فدا آئین خلق ایران (اکثریت) غرب تهران



بامیاست ارنجاسی وزیم برای تحمیل تشکلی فرمایتی به

جامعہ پزشکی ایران

متحداً مبارزه کنیم!

بزشکان، دندانپزشکان، داروسازان و آزمایشگاهیان شریف و مردمی!

[illegible]

● سازمان نظام پزشکی ایران همه پزشکان (عمومی، تخصصی و زبدهت‌ها)، داروسازان، دندانپزشکان و آزمایشگاهیان را در بر می‌گیرد. صرف نظر از تخصص، سابقه کار و محصل کار آنها تشکیل می‌دهد. عضویت در این سازمان برای همه این اقشار باید داوطلبانه و مجاز باشد.

۱) برای انتخاب شدن در ارگانهای رهبری و آموزشی این سازمان هیچ محدودیت و قید و بندی نباید وجود داشته باشد مگر کسب اکثریت آراء اعضاء در یک انتخابات آزاد و دموکراتیک .

۲) سیاست جهت گیری و ترکیب رهبری این سازمان باید به گونه ای باشد که ضمن دفاع از حقوق عادلانه اعضاء و مصالح و منافع بهداشت و درمان جامعه و رفع درآمدی افکار وسیع مردم را نیز به نظر داشته باشد.

● ترکیب‌دهی سازمان باید مکتوب‌ای باشد که بدون تذلل، سازش و زد و بند با دولت، تشبها با آنگاه ره نیروی وحدت فاطمه جامعه، یزگی ایران و حمایت‌انشار وسیع مردم، از استقلال این تشکل در قبال حاکمیت‌اتواضعی بیگانه‌انه دفا و شایده.

برزشکان، دندانپزشکان، داروسازان و آزمایشگاهیان شریف و مردمی!

با برای دفاع از تنگنای مستقل خود، برای لیگست سیاست خودمگرا تنگ و ارتجاعی و رژیم خودمگرا تنگنای فرمایشی و وابسته، مبتدا " مبارزه شعائره! با همه چیز و زوربار تنگنای تنگنای و وابسته به حاکمیت و فاعراشتنای از سوی حکومت برای نظام پرژسک درود!

★ برای دفاع از استقلال سازمان پزشکی ایران در قبال سیاستهای ارتجاعی و وابسته گردانه رژیم، برای افزایش شعور و سراسری نمودن این تشکل، برای مگرناشده کردن و مرهمی کردن این سازمان (بویژه رهبری آن) برای کار و تلاش نمودن این تشکل بطور یکپارچه و بهنگامانه مبارزه نمائید!

در صورت پیگیری در مبارزه، مشخصاً شد، پیروزی از آن شماست.

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر رژیم خمینی

سازمان قدامت‌پایان خالق ایران (اکثریت) - عرب‌توہ

پس از آنکه در این باره با هم گفتگو کردیم و به این نتیجه رسیدیم که این کتاب را می‌توان به عنوان یک منبع برای دانشجویان و محققان در زمینه حقوق بشر و حقوق زنان در ایران استفاده کرد.

در رابطه با اخراج گسترده کارگران کارخانه ایران خودرو (ایران ناسیونال) که خبر آن را در چندین شماره اکثریت به اطلاع رساندیم، همین واحد فدایی اعلامیه ای انتشار دادمتن آن را در زیر می خوانید:

عليه توطئه اخراج وپيكاري

و به حمایت از کارگران ایران خود روپا خیزید!

کارگران مبارز جاده مخصوص قدیم
چنگ را بدهند، نه کارگران زحمتکش
که چه در رژیم وابسته سابق، چه در
کریج و جاده ساوه!

دوران حکام ضد خلقی جمهوری اسلامی جز رنج و استثمار بهره‌ای نبرده‌اند. راه حل این مشکلات پایان دادن به جنگ و سرنوشتی جمهوری اسلامی و برقراری حکومتی متعلق به کارگران و زحمتکشان است.

علی‌مان زندگی اشرافی برای خود و نورچشمی‌هایشان درست کرده‌اند.

کارگران مهارزا

* از کارگران این آب و خاک خود را به

بدون توجه به سرنوشت افراد خانه‌اده‌های شمار روز به روز سیاست

ضد کارگری اخراج و اعزام اجباری

از جمله اخیرا تصمیم به اخراج حدود

در جبهه‌های جنگ خمینی خواسته
تهدید شوید!

خودشان تن به اخراج دهند. ما
سی‌گویییم رئیس که خواهان ادامه
علیه جنگ و علیه رژیم
جنگ افروز خمینی تقاضاات کنید.

زندگی تا فتح کربلا و بلکه تمام
نیاست مسئول اصلی و رشکستگي

زنده باد صلح - زنده باد
آزادی

اقتصادی و نابودی منابع ملی ماست .
پس سرمداران رژیم هستند که باید

تاوان خسارات و مصیبت‌های حاصل از (اکثریت) غرب تهران

بقیه از صفحه اول

ایران سرتاسر جنگ زده است، اما خوزستان؟ برای خوزستان چه صفتی بیابیم؟ خوزستان تجسم کامل جنگ است، جنگ زده تر است، جنگ زده ترین است.

خوزستان یک مجروح جنگی است، مجروحي که پاره های از پیکرش را جنگ له و لورده ساخته است. اما خوزستان هنوز زنده است، پیکری خون چکان دارد اما مقاومت می کند، روی پا ایستاده است و نمی گذارد جنگ طلبان او را از پا بیندازند. خوزستان تظاهرات می کند، خوزستان اعتصاب می کند، خوزستان به اعتراض برمی خیزد و به جنگ ویرانگر و رژیم جنگ طلب خمینی با نفرت می نگرد.

در استان خوزستان جنبش توده ای و ضد جنگ، جنبش کارگری و دهقانی نشانه های رشد و شکوفایی را با خود دارد. جنبش در خوزستان همچون دیگر نقاط کشور با افت و خیزهایی همراه بوده است. زمانی جنبش اعتصابی در میان کارگران بخشهای مختلف صنعت نفت و گاز در خوزستان چنان اوج گرفته بود که حتی متوهم ترین افراد نسبت به رژیم نیز در حرکتی اعتراضی کارگری شرکت می جستند. در اعتصاب پالایشگاه گاز بیدبلند حتی اعضای انجمن اسلامی نیز نتوانستند خود را از اعتصاب کنار بکشند. برهه هایی نیز پیش آمده که جنبش کارگری و توده ای در خوزستان در حالت آرامش بیش از توفان قرار گرفت.

بین وضعیت جنبش کارگری و توده ای در خوزستان با وضعیت جنبش در دیگر نقاط کشور نمی توان تفاوت اساسی قائل شد. اما بدون تردید خوزستان دارای ویژگی هایی است که بر روی جنبش توده ای در این استان تاثیر عمیقی می نهند. خوزستان یک استان کارگری است. کارگران صنایع نفت و گاز، کارگران مجتمع ستیم صنایع فولاد و کارگران دهها واحد صنعتی بزرگ دیگر جنبش توده ای در خوزستان را زیر تاثیر قوی خود قرار می دهند.

خوزستان مهمترین منطقه جنگی کشور است. خوزستان بین یک تايک و نیم میلیون آواره جنگی دارد. از این آوارگان بنا بر آمار دولتی دست کم ۶۷۲.۰۶۲ نفر در خود خوزستان پراکنده شده اند. در خوزستان تراکم نظامیان بیش از دیگر استانهای کشور است. خوزستان فشار بیشتری از نظر مصایب مستقیم و غیرمستقیم جنگ تحمل می کند. این وضعیت به خوزستان خود ویژگی های بارزی می دهد.

خصوصیت مهم دیگر خوزستان حضور خلق محروم عرب در این خطه است. خلق عرب از جمله محرومترین و تیره روزترین خلیفای غیر فارس ساکن ایران است. بعد از انقلاب جنبش خلق عرب خوزستان برآمد یافت. رژیم کمر به سرکوب خونین این خلق بست. اما مبارزه ادامه یافت. تظاهرات اردیبهشت ماه سال گذشته در اهواز یک بار دیگر نقش مهم خلق عرب در مبارزه مردم خوزستان علیه رژیم را نشان داد. این تظاهرات با شعارهای ضد جنگ و فراگیر خود به یکی از وکلایت جنبش توده ای و ضد جنگ در

برای تداوم جنگ گسترگی و بیکاری بیشتری را تحمل کنند و افراد بیشتری راه جبهه بفرستند.

بنا بر آمار دولتی میزان اشتغال در خوزستان قریب به ۶۰ درصد کاهش یافته است. جنگ از هر ۱۰۰ نفر ۶ نفر را در خوزستان از کار بیکار ساخته است. بیکاری افزون بر کمبود مسکن، کمبود مسکن افزون بر گرانی و کمبود مایحتاج زندگی، همه اینها افزون بر مصیبت های مستقیم جنگ و در بالای سر همه شمشیر خون چکان سرکوب، زندگی مردم خوزستان را به جهنمی تبدیل کرده است. بخشی از دستگاه جهنمی فشار و

خوزستان جنگ زده



این است خوزستان! مادران مویه می کشند، نه یک تن، نه صد تن، دهها هزار تن، دهها هزار مادر ضربه می کشند.

خوزستان بدل گشت.

جنگ، سرکوب، فلاکت

بر تمامی عرصه های زندگی مردم خوزستان، مهر و نشان جنگ کوبیده شده است. به شهرهای خوزستان که وارد می شوید، آنچه که بیش از همه در قاب نگاهتان می گنجد ویرانی، محنت و فلاکت است. شهرهای ویران نشده دچار تراکم جمعیتند. تراکم جمعیت، زندگی در اهواز را مختل ساخته است. مهاجرین جنگی آبادان، خرمشهر، هویزه و روستاهای اطراف این شهرها عمدتاً به اهواز آمده اند. گرانی در شهرهای خوزستان پدید آمده است. خوزستان یک منطقه حاصلخیز کشاورزی است. اما ماحصل رنج روستائیان عمدتاً به جیبها اختصاص داده می شود. خوزستان مهمترین منطقه جنگی است و مسئولین رژیم به مردم این استان فشار می آورند که باید

سرکوب رژیم به امر کسب داشتن مردم به جبهه اختصاص یافته است. خانه های مردم را نیز می گردند تا جوانان را به اجبار راهی جبهه ها سازند. پاسداران در روز ۲۶ خرداد امسال خیابان خمینی اهواز را به محاصره درآوردند و همه جوانانی را که کارت پایان خدمت سربازی با خود داشتند، دستگیر کردند. این شیوه عمل در اهواز و دیگر شهرهای خوزستان مدام در حال تکرار شدن است و نفرت شدیدی را برانگیخته است.

از فشار اقتصادی نیز به وفور برای تامین گوشت دم توب در جبهه ها استفاده می شود. کارگران، فرهنگیان و کارمندان همواره در معرض این تهدیدند که اگر به جبهه نروند، کار خود را از دست می دهند. توسل به سرکوب و فشار اقتصادی نشان می دهد که سلاح فریب و توهم آفرینی، کارایی خود را برای تامین نفرت

جبهه از دست داده است. در روز ۲۰ فروردین امسال تلاش کردند دانشجویان و کارمندان و استادان دانشگاه اهواز را در یک جابجایی کنند و در اوصاف اعزام به جبهه برای آنان سخنرانی کنند. تبلیغات وسیع آنها که با تهدید و ارعاب نیز همراه بود تنها توانست از میان هفت هزار دانشجو و کارمند و استاد دانشگاه اهواز هفتاد نفر را راهی جبهه سازد. در سرتگرد فرمانده سپاه در جلسه ای که با حضور فرهنگیان شهر برگزار شده بود خواهان آن شد که از هر گروه آموزشی ۲۰ نفر به جبهه اعزام شوند. معلمان و دبیران با تشکیل جلساتی چند، با این فرمان مخالفت کردند و از اعزام به جبهه سرباز زدند.

نفرت مردم از جنگ در خوزستان نموده های بارزی دارد. اکنون در مراسم تشییع جنازه کشته شده های جنگ پاسداران با لباس شخصی میان جمعیت می روند تا اجتماع آنها به یک تظاهرات ضد جنگ تبدیل نشود. این امر در مراسم تشییع جنازه کشته شده های بیماران قطار حامل مهمات در ایستگاه هفت تپه در خرداد ماه امسال توجه همگان را به خود جلب کرده بود.

در خوزستان مدتهاست که حتی تبلیغات حکومتی در مورد سازندگی مناطق ویران شده قلم شده است. در حرف نیز از سازندگی خبری نیست. اگر هواپیماها و موشکهای عراقی آبادیهای موجود را ویران نسازند خود رژیم کمر به از دیبا و ویرانی ها می بندد. به بهانه کمبود بودجه در بسیاری از موسسات صنعتی، خدماتی و آموزشی را بسته اند و یا این که آنها را از رونق انداخته اند. بعد از پیام فرمانده سپاه پاسداران مبنی بر اختصاص دادن امکانات آموزشگاهی فنی و هنرستانهای صنعتی به ساخت تسلیحات برای جبهه، آموزشگاه فنی و حرفه ای اهواز تعطیل شد و این آموزشگاه به اشغال کادر فنی سپاه درآمد. به این ترتیب آموزش عده کثیری کارآموز در این آموزشگاه متوقف گردید.

ناراضیاتی شدید مردم از تداوم جنگ و فلاکت اقتصادی به حرکتی اعتراضی مختلفی می انجامد. رژیم برای مهار کردن این حرکتها تعداد کثیری از نیروهای سرکوبگر خود را در خوزستان گرد آورده است. همه شهرهای خوزستان دارای زندانهای انباشته ای هستند. در اهواز نیروهای انقلابی اسیر شده در چند زندان به بند کشیده شده اند. سرکوب در خوزستان چهره عریانی

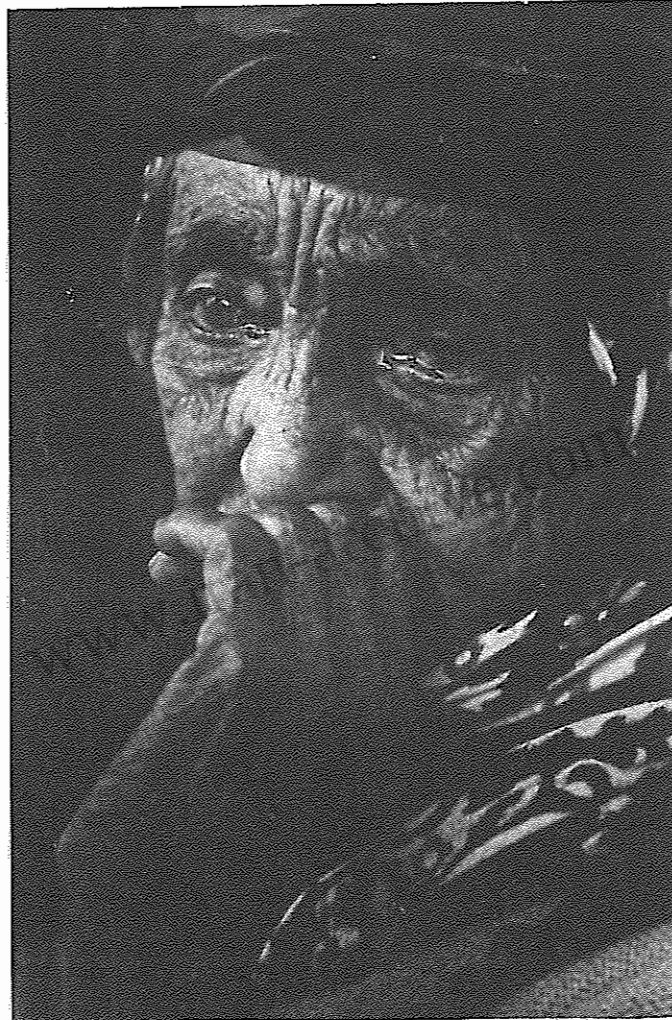
رژیم بر سر این مجتمع آورد، همواره مثل زدن بود. در مرحله نخست ۷۰۰۰ نفر از کارگران شاغل در پیمانکاریهای طرف قرارداد با صنایع فولاد (فاسرویلر، تهران جنوب، مانا و ماشین سازی پارس) از کار بیکار شدند. در سال ۶۰ بنا بر طرحی که از سوی موسیانی، مدیریت آن هنگام این مجتمع (وزیر اسبق معادن و فلزات و نماینده فعلی مجلس) پیش برده شد، حدود ۶۰۰ گروه تعاونی از ۴۰۰۰ نفر کارگرانی که قبلاً در پیمانکاریهای مذکور شاغل بودند، تشکیل شد. حول این تعاونیها تبلیغات زیادی به راه انداختند. اما نتیجه چه شد؟ تعاونیها به تدریج غیر فعال و نهایتاً منحل شدند. کارهای مجتمع فولاد به پیمانکاریهای سرمایه داران بزرگ سپرده شد. آنها تعاونیهای کارگران را پس زدند و خود عهده دار امور شدند. رژیم تعاونیهای کارگران را منحل کرد. بهانه آن بود که این تعاونیها کارهای خود را به موقع انجام نداده و از تخصیص لازم بی بهره اند. رشوه های کلانی که شرکت های پیمانکاری به مسئولین مجتمع فولاد و مقامات استان دادند، روند کنار زدن این تعاونیها را سریع کرد. آنها با رقابت از موضع قدرت و پول، به تدریج صنایع فولاد اهواز را در چنگ خود گرفتند. در این شرکت های پیمانکاری فشار بر روی کارگران دم افزون است. آنها را اخراج می کنند. و یا به اجبار وامی دارند که باز خرید شوند.

پس از بمباران این مجتمع در تاریخ ۶۴/۱۲/۲۸ که مصادف با شروع تعطیلات نوروزی بود، کارگران در روز سه شنبه ۶۵/۱/۵ به کارخانه مراجعه کردند. اما کارخانه فعالیت نداشت. به آنها گفتند "مرخصی" شان تمدید شده است. تگرانی کارگران به جهت امکان از دست دادن شغلشان، افزایش یافت. در جریان بمباران چند واحد مهم در مجتمع از جمله واحدهای اج-وای-ال، واحد ورق، آزمایشگاه تن-س، انبارهای احیا، انبار ابزار دقیق، واحد ذوب شماره ۲، واحدهای اکسیژن، انبار برداشت، انبار ذوب، و ایستگاههای برق خسارت دیده بودند. بمباران مجدد مجتمع در روز ۶۵/۲/۱۱ نگرانی کارگران را به اوج خود رساند. گروهی از کارگران را با تهدید برای این که اگر از رفتن به جبهه امتناع ورزید، به دلیل خسارت دیدن مجتمع از کار بیکار می شوید، راهی جبهه ساختند. ساعت کار عده ای دیگری از کارگران را تغییر دادند و عمدتاً به شبها منتقل ساختند. بقیه در صفحه بعد.

از پرداختن حقوق کارگران، خودداری می ورزند و به سیاست ضد کارگری اخراجهای دسته جمعی رو آورده اند.

مبارزه کارگران در خوزستان

کارگران خوزستان خاصه در واحدهای صنعتی قدیمی و بزرگ، دارای سنت های عمیق مبارزاتی هستند. آنها با ضرورت تشکیل آشنا هستند و مبارزه خود را با پشتوانه تجربی



خوزستان اینجاست، در چشمان غمزه این مادر است و در دستان چروکیده و خسته او.

پرباری پیش می برند. تشکلهای فرمایشی همچون انجمن های اسلامی و شوراهای وابسته به حکومت در کارخانه های خوزستان خیلی سریع آبرو باخته و منزوی شده اند. این تشکلهای وابسته نتوانسته اند در پایگاه گاز بید بلند، واحدهای پتروشیمی و صنایع فولاد و نورد اهواز مبارزه کارگران را دچار انحراف و رکود سازند. یکی از واحدها و مجتمع های صنعتی مهم خوزستان، صنایع فولاد اهواز است. بعد از انقلاب پلایه ای که

ال های متعدد اهواز (واحدهای تصفیه و تهیه گاز طبیعی مایع) ابتدا در معرض حملات هواپیماهای عراقی هستند. پس از حملات هوایی اردیبهشت ماه عراق، ۸۰۰ تن گاز تگران قیمت پرویان، در کریت کمپ در هوا تخلیه شد. اخیراً یکی از واحدهای مهم شرکت نفت در مسجد سلیمان بر اثر بمباران به کلی منهدم شد. خسارت وارده ۲ میلیارد تومان برآورد می شود. صنایع عظیم

دارد. خلق عرب همواره خود را با ماشین سرکوب رژیم مواجه می بیند. عربها تحقیر می شوند، به آنها کار نمی دهند و امکانات به حساب نیامدنی موجود را هم از آنها دریغ می کنند. فشار بر روی زنان نیز دم افزون است. اخیراً در مسجد سلیمان هنگامی که مامورین کمیته متعرض زنی شدند که فاقد حجاب مورد نظر آنها بود، مردم به اعتراض برخاستند و کمیته چپ ها را چنان گوشالی دادند که فرار را بر قرار ترجیح دادند.

در حالی که مردم از فراهم کردن نان شب خود وامانده اند، مسئولین حکومتی در خوزستان در ناز و نعمت به سر می برند. آنها به غنائیم آشکار خود پسند نه کرده و با اختلاس و کلاه گذاشتن بر سر همدیگر نیز می کوشند بر ثروت خود بیفزایند. در جریان رقابت ها و دسته کشی های میان مسئولین حکومتی گاه پرونده این اختلاسها رو می شود. نمونه آن روشن فساد کاریهای حاکم شرع مسجد سلیمان است که به عزل وی منجر شد. نمونه دیگر برکناری شهردار اهواز در جریان دسته کشی های درون حکومت است.

ویرانی و رکود واحدهای صنعتی در خوزستان

سیاست عمومی رژیم مبنی بر تعطیل کردن صنایع برای تخصیص همه امکانات به امر تدویم جنگ، مجتمع های صنعتی در خوزستان را دچار رکود شدیدی کرده است. واحدهای صنعتی در خوزستان اگر به دلیل آسیب دیدن مستقیم از جنگ تعطیل نشده باشند، هم اکنون در معرض این خطر قرار دارند که به زندگی نیمه جان آنها پایان داده شود. پالایشگاه آبادان، در روزهای نخست جنگ قربانی شد. مجتمع بزرگ پتروشیمی رازی (در بندر خمینی) بیش از سه سال است که به دلیل خسارات جنگی تعطیل است. مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن در حالی که ۸۰ درصد کارهای ساختمانی و نصب برخی از دستگاههای آن به پایان رسیده، همچنان در حالت تعطیل به سر می برد و با فرسوده شدن دستگاههای آن سرمایه ای که خرج آن شده، به مرور زمان تلف می شود. همه امتیازاتی که رژیم به انحصارات غارتگر ژاپنی داد، نتوانست آنها را مایل به ادامه کار در این پروژه ها سازد. فلاکت اقتصادی رژیم باعث شده است که دیگر، کار اتمام این پروژه ها به دست فراموشی سپرده شود. سایر واحدهای نفت و گاز، از جمله پالایشگاه گاز بید بلند و ان-جی-

بقیه از صفحه ۹

خوزستان جنگ زده



این است "ثمنت جنگ" زندگی در آوارگی.

این است خوزستان جنگ زده و آواره.

می‌شود. روی دیگر سکه اخراج کارگران، تشدید استثمار کارگرانی است که بر سرکار باقی می‌مانند. همپای اخراج کارگران خاصه در صنعت نفت سیاست بازنشسته کردن کارگران مسن نیز پیش گرفته می‌شود. برای رژیم بازنشسته کردن به معنی کاستن از تعداد "نان‌خور" هاست. کس دیگری جای این بازنشسته‌ها را نمی‌گیرد.

در شرکت نفت، پس از آن‌که کلیه مزایای بازنشستگان را قطع کردند، طی بخشنامه‌ای اعلام کردند که به بازنشستگان تنها معادل یک ماه حقوق به عنوان پاداش بازنشستگی تعلق می‌گیرد. رژیم بدین ترتیب دست به یک سرقت آشکار زده است. وزارت نفت بر صندوق بازنشستگی و پس انداز کارکنان شرکت نفت چنگ انداخته و این کارکنان را از پاداشی که می‌بایست از طریق این صندوق که فراهم آمده از پرداختن خود آنان است، محروم ساخته است. این دزدی آشکار ثغرت وسیعی را در میان بازنشستگان شرکت نفت دامن زده است.

فقر و مصیبت در روستاهای

خوزستان

تلخکامی روستائیان خوزستان، خارج از وصف است. آن‌ها از یک سو با فقریت چنگ رودر و روبرو قرار گرفته‌اند، و از سوی دیگر با هجوم خان‌ها و شیوخ مواجه‌اند. فقدان امکانات کشاورزی و فقر و فلاکت عمومی نیز روستاهای این خطه را ماتمزه و ویران ساخته است. روستاهای مناطق دشت عباس و

چه حد باعث تضعیف توان جنبش کارگری می‌شود. از دیگر اعتصابات کارگری در خوزستان در سال جاری می‌توان به اعتصاب سه روزه کارگران کارخانه آجریزی چنگیه در اهواز اشاره داشت. در این اعتصاب موفق که در تاریخ ۶۵/۲/۸ به وقوع پیوست، خواسته‌های کارگران عبارت بودند از کاهش ساعات کار، ۲۵ درصد حق اضافه‌کاری و افزایش دستمزد.

در خوزستان فشار بر روی کارگران برای اعزام به جبهه سنگینی بیشتری نسبت به نقاط دیگر دارد. مسئولین رژیم برای اعزام کارگران به جبهه به انواع ترفندها متوسل می‌شوند. آنها تنها با تهدید به اخراج، قادرند کارگران را به جبهه اعزام کنند. در برخی از کارخانه‌ها، بستن قرارداد جدید با کارگران قراردادی را، منوط به رفتن آن‌ها به جبهه اعلام کرده‌اند. اخیراً برای جبهه، قرعه‌کشی می‌کنند. در کارخانه سیمان فارسیت، بعد از این که نتوانستند "داوطلبی" برای رفتن به جبهه بیابند، بدین شیوه متوسل شدند و ۵۰ نفر را انتخاب کرده و به زور به جبهه فرستادند.

در خوزستان نیز مثل دیگر نقاط ایران خطر اخراج، نخست کارگران قراردادی را تهدید می‌کند. اخیراً در راه آهن ناحیه جنوب ۲۰۰ نفر کارگر قراردادی را، که عمدتاً در بخش‌های ساختمانی کار می‌کردند، اخراج نمودند. حجم کاری را که این عده انجام می‌دادند بین بقیه سرشکن کردند. این رویه‌ای است که در همه کارخانه‌ها و شرکت‌ها پیش گرفته

این جو بحرانی در مجتمع باعث نشد کارگران برخوردی با مطالباتی خودیافتاری نکنند. در سال جدید حرکت‌های اعتصابی در مجتمع صنایع فولاد، نخست از شرکت رنگ آمیزی برکه آغاز شد. در روز ۲۰ فروردین کارگران در اعتراض به زیاد بودن ساعات کار (۱۰ ساعت در روز)، عدم پرداخت حقوق روز جمعه، عدم دریافت حق اضافه‌کاری، سختی کار و نداشتن امکانات ایمنی و بیمه نبودن، به صورت نشسته در محل کار خود دست به اعتصاب زدند. پیش از آغاز اعتصاب، کارفرما ۶ نفر از کارگران را که حاضر نشده بودند در روز جمعه در سرکار حاضر شوند، اخراج کرده بود. همین امر جرقه را زد و کارگران بلافاصله، به گونه‌ای هماهنگ اعتصاب خود را آغاز کردند. بازگرداندن کارگران اخراجی به سرکار موضوعی بود که بر دیگر خواسته‌های کارگران افزوده شد. تلاش‌ها و رفت و آمدهای نماینده وزارت کار نتوانست کارگران را عقب براند. بالاخره اعتصاب موفق شد و بخشی از خواسته‌های کارگران پذیرفته شد. تعیین دقیق ساعات کار به جلسه‌ای در روز ۱۰ اردیبهشت موکول شد. در بهارن مجدداً صنایع فولاد، قسمت رنگ آمیزی برکه آسیب دید. هواپیماهای عراقی تلاش رژیم را تکمیل کردند و شرکت برکه در آستانه تعطیلی قرار گرفت. در روز شنبه ۶۵/۲/۲۱ اعلام شد که این شرکت بسته می‌شود. به این ترتیب گروه دیگری به خیل بیکاران پیوستند.

تقریباً همزمان با اعتصاب کارگران شرکت برکه، کارگران شرکت پیمانکاری اهرم تکنیک که در قسمت آهک صنایع فولاد، فعالیت دارد دست به اعتراض برای برآورده شدن خواسته‌های خود زدند. مهمترین خواسته کارگران تقلیل ساعات کار (ده ساعت و نیم در روز) و تنظیم زمان آغاز و پایان آن بود. این حرکت اعتراضی به هدف‌های خود دست یافت. در بخش‌ها و شرکت‌های دیگر فعال در مجتمع فولاد نیز با الهام از اعتراضات کارگران شرکت برکه و شرکت اهرم تکنیک زمره اعتصاب بالا گرفت. بهاران ۱۱ اردیبهشت که ۶ کشته و تعدادی زخمی به جا گذاشت، در مبارزات کارگران صنایع فولاد وقفه مهمی ایجاد کرد. یکبار دیگر نشان داده شد که تداوم جنگ علاوه بر مجموعه مصایبی که به بار می‌آورد، تا

حمیدیه پس از این که از اشغال عراق بدرآمدند، به اشغال شیوخ درآمدند. در منطقه ایده، و شمال و غرب اهواز نیز وضع به همین صورت است.

کمیود پارتدگی در سال‌های گذشته و سیل اخیر از میزان محصولات کشاورزی کاسته است. در بخش "سری" شهرستان ایده سیل اکثر مزارع گندم را نابود کرده است. پس از آمدن سیل در بهار، دهقانان بطور جمعی به شهر آمده، ابتدا به اداره کشاورزی و سپس به فرمانداری مراجعه کردند تا تقاضای کمک کنند. در اداره کشاورزی، صریحاً به آنان گفته شد: "دولت هیچ بودجه‌ای برای کمک به شما ندارد و خیلی که هنر کند، می‌تواند مخارج جنگ را تأمین کند. در فرمانداری مسئولین و شخص فرماندار، با قیافه عوام‌فریبانه‌ای به سخنان آنان گوش کرده و سپس به منبر رفتند و در خصوص جنگ و لزوم شرکت دهقانان و فرزندانشان در جبهه‌ها، داد سخن دادند. آنها داشتن هر تقاضایی جز تقاضای برای اعزام به جبهه را کفر توصیف کردند. پس از این روضه‌خوانی‌ها کمیته‌چی‌هایی که دهقانان را در محاصره خود گرفته بودند، آنان را از فرمانداری دور ساختند و به زور روانه روستاهایشان کردند.

اخیراً در خوزستان نیز مثل دیگر نقاط کشور تبلیغات و فیهان‌های حول اراضی موات به راه انداخته‌اند. قابل کشت کردن این اراضی بودجه‌ای را می‌طلبد که از عهده دهقانان خوزستانی خارج است. هدف از مطرح ساختن اراضی موات پرده انداختن بر روی همدستی با شیوخ در زمینه غصب اراضی دایر روستاهاست.

* * *

خوزستان تنها این نیست که در گزارش فشرده بالا توصیف کردیم. رنج خوزستان در سخن نمی‌گنجد. آیا تاکنون صدای شیون زنان خوزستانی را در مراسم عزاداری شنیده‌اید؟ خرمشهر را تجسم کنید، آبادان را، اندیمشک را، شادگان را و نیز همه دیگر روستاها و مناطق ویران شده خوزستان را، کشته‌های کثیر این مناطق را در ذهن آورید و آن‌گاه ضجه مادران خوزستانی را به یاد آورید، نه یک تن، نه صدتن، ده‌ها هزار تن. ده‌ها هزار مادر ضجه می‌کشند. این است خوزستان! این است چهره‌ای از خوزستان. این است خوزستانی که خمینی بیش از این‌ها ماتمزه و ویران و عزادارش می‌خواهد!

دفاع ضد هوایی فقط برای صنایع نظامی

مبارزه روستائیان زنجان
برای جلوگیری از بنای پادگان

اوایل خردادماه، پیم روستائیان منطقه جاده قدیم زنجان و ژاندارمری و سپاه درگیری شدیدی رخ داد. درگیری از آنجا آغاز شد که سپاه علیرغم مخالفت روستائیان، تصمیم گرفته است در زمینهای آنان در اطراف جاده سابق زنجان-حسین آباد، برای خود پادگان نظامی بسازد.

در این روزنبروهای سپاه، ژاندارمری و فرماندار زنجان به منظور آغاز عملیات ساختن پادگان در منطقه جمع شده بودند. اهالی روستا دسته جمعی به اقدام سپاه اعتراض کرده و باخوابیدن در مقابل لودر از آغاز عملیات جلوگیری کردند. مامورین ژاندارمری به دستور فرماندار بار روستائیان درگیر شده و آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

مهاجر



او نیز بالاخره ناکزیر به ترک روستای خود شده است. و اکنون در شهر سکونت دارد. سکونت گزیده، چونکه سرپناهی ندارد. اثاثه مختصرش را در کنار خیابان ریخته و به آنچه که بر او روا داشته اند می اندیشد.

راه افتاد. همین بمباران سبب شد تولید کارخانه به مدت سه روز متوقف شود.

- پالایشگاه اصفهان طی دور جدید بمباران شهرها، چهاربار هدف حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفت. در جریان بمبارانهای اول و دوم مخازن قیرو گازوئیل، قسمت گازوئیل و خطوط انتقال مواد تا محل بارگیری آسیب دیدند. در بمباران اخیر ۲ نفر کشته و ۱۵ نفر به شدت زخمی شدند.

- نیروگاه "شهید محمد منتظری" در مسیر جاده تهران - اصفهان و در نزدیکی پالایشگاه واقع است. اخیرا هواپیماهای عراقی دوبار آن را مورد حمله قرار دادند. اگر چه در حمله نخست بمب های ریخته شده عمل نکردند اما در بمباران بعدی، تاسیسات برق محوطه نیروگاه و از جمله یک ترانس به کلی از بین رفتند و ۲ واحد ۲۰۰ مگاواتی نیروگاه که به تازگی راه اندازی شده بودند از مدار خارج شدند. همین آسیب ها باعث شد که ساعات خاموشی در شهر افزایش یابند و هنگام شب و لگات شبکه های ۲۰ کیلو وات به حدود ۱۷ کیلو وات کاهش یابند.

- نیروگاه شاه آباد اصفهان (اسلام آباد) در ابتدای اتوبان ذوب آهن یک بار به شدت بمباران شد که طی آن دو نفر کشته و ۱۵ نفر مجروح شدند. در این بمباران به واحد تولید برق شماره یک با قدرت ۲۷/۵ مگاوات، شماره ۲ با قدرت ۲۷/۵ مگاوات و شماره ۳ با قدرت ۱۲ مگاوات آسیب های جدی وارد آمد. بنحوی که در آینده نزدیک امکان راه اندازی مجدد آنها وجود ندارد. واحد شماره ۴ که با قدرت ۲۲۰ مگاوات به تازگی راه اندازی شده بود در پی این حمله از سرویس خارج شد. کار در واحد شماره ۵ که توسط مقاطعه کار ایتالیایی نصب می گردد، متوقف شده است. شرکت ایتالیایی بدنبال این بمباران و به بهانه مشکلات پدید آمده، ۸۰۰ کارگر و تکنیسینی را که در این پروژه کاری کردند، اخراج ساخت.

مسابقه جنون آمیز بمباران تاسیسات اقتصادی و صنعتی توسط رژیم های ارتجاعی ایران و عراق ابعاد فاجعه باری به خود گرفته است. طی دومه اخیر، بدون استثنا پالایشگاههای نفت تبریز، اصفهان، تهران، ماشین سازی اراک، ذوب آهن اصفهان، نیروگاههای اهواز، تبریز و... هدف حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفته اند. اکثر این تاسیسات فاقد تجهیزات کافی پدافندی هستند. رژیم جمهوری اسلامی تجهیزات پدافند هوایی را در صنایعی متمرکز کرده است که تولید آنها مستقیما در خدمت چپه است. در گزارشی از بمباران واحدهای صنعتی اصفهان و انتقال امکانات پدافندی آنها به صنایع نظامی آمده است؛

مجتمع صنایع دفاع نظامی اصفهان در زیرین شهر واقع است. کار ساختمان مجتمع هنوز پایان نیافته است اما هم اکنون در آن پروژه های تولید قطعات تانک انگلیسی چیفتن و غیره با همکاری شرکتهای انگلیسی و سوئدی در جریان است. مسئولین رژیم به منظور جراثیم از این زرادخانه نظامی، علاوه بر انتقال امکانات پدافند هوایی واحدهای صنعتی اطراف اصفهان، تجهیزات فولاد مبارکه را نیز به آن منتقل کرده اند. و فولاد مبارکه را باده هزار کارگر در برابر یورش بمب افکن های عراقی بی دفاع گذاشته اند. آنان نداشتن امکانات دفاعی را در فولاد مبارکه بهانه کرده، نهار و چای کارگران را قطع کرده اند. و در اعتراض کارگران می گویند تجمع کارگران دور هم وجود کیسول های گاز خطر آفرین است. از این رو کارگران نهار خود را از خانه به همراه آورده و جدا از هم می بخورند.

- ذوب آهن تا کنون دوبار توسط هواپیماهای عراقی بمباران شده است. روز روشن هواپیماها پس از چولان بر بالای کارخانه، آن را بمباران کردند و رفتند. ۴۵ نفر زخمی شدند و گاز رسانی کارخانه چنان آسیب دید که آتش سوزی مهیبی در محیط کارخانه به

مولانا جلال الدین محمد مشهور به مولوی

خران

جمله درختان صف زده ، جامه سیه ماتم زده
بی برگ و زار و نوحه گر، زان امتحان، زان امتحان
ای لکک و سالارده ، آخر جوابی باز ده
در قبر رفتی یا شدی بر آسمان ، بر آسمان ؟
گفتند : ای زاغ عدو ، آن آب باز آید به جو
عالم شود پر رنگ و بو ، همچون جنان ، همچون جنان ؟
ای زاغ بیهوده سخن ، سه ماه دیگر صبر کن
تا در رسد کودی تو ، عید جهان ، عید جهان
تا کی از این انکار و شک ! کان خوشی بین و نمک
بر چرخ پرچون مردمک ، بی نردبان ، بی نردبان
میرد خزانِ همچو در ، برگور او کویی لکد
لک صبح دولت می دمد ، ای پاسبان ، ای پاسبان
ای آفتاب خوش عمل ، باز آ سوی برج حمل
نی یخ گذارونی و حل ، عنبر فشان ، عنبر فشان
گلشن پر از شاهد شود ، هم پوستین کاسد شود
زاینده و والد شود ، دور زمان ، دور زمان
بلبل رسد ، بریط زنان وان فاخنه کوکو کنان
مرغان دیگر ، مطرب بخت جوان ، بخت جوان
خاموش و پشوی پدر ، از باغ و مرغان نوخیز
پیکان پرن آمده از لامکان ، از لامکان

ای باغبان ، ای باغبان ، آمد خزان ، آمد خزان
بر شاخ و برگ از دود دل ، بنگر نشان ، بنگر نشان
ای باغبان، هین گوش کن، ناله درختان نوش کن
نوحه کنان از هر طرف ، صد بی زبان ، صد بی زبان
حاصل ، در آمد زاغ غم ، در باغ و می کو بد قدم
پرسا بافون و ستم ، کو گلستان ؟ کو گلستان ؟
کوسمن و کونسترن ، کو سرو و لاله یاسمن ؟
کو سبز پوشان چمن ؟ کو ارغوان ؟ کو ارغوان
کو بلبل شیرین فتم ؟ کو فاخنه کوکو ذم ؟
طاووس خوب چون منم ؟ کو طوطیان ؟ کو طوطیان ؟

ما در شماره ۱۱۴ نشریه از سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) پرسیده بودیم که شما در ارکستر ناموزون آشوب آفرینان در خارج از کشور، کدام ساز را می‌نوازید؟ در راستای این پرسش اساسی سئوالهای دیگری رانیز در برابر "راه کارگر" نهاده بودیم. اما "راه کارگر" به سئوالات ما پاسخ نگفته است. در عوض در شماره شهریور ماه نشریه خود مقاله‌ای به چاپ رسانده که تنها حکم بخشنامه‌ای را دارد برای راهنمایی هواداران خود این سازمان. "راه کارگر" در همین چند ماهه اخیر، برای صدور این بخشنامه جدید، راه سختی را پیموده است. این سازمان در آغاز این راه، هدف خود را "ناپودی" ما قرار داد و متأسفانه با عده‌ای دیگر نیز که همین هدف را دارند و هویتشان و یا این که مأموریتشان رسیدن به این هدف است، هم پیمان شد. راه کارگر در برلین غربی و فرانکفورت، به شهادت اطلاعاتی‌های صادر شده، در کمیته‌های هماهنگی برای حذف ما از مکانهای فروش نشریات در دانشگاههای آلمان فدرال شرکت جست و پای اعلامیه‌های مبتدلی همچون اعلامیه ۸۶/۵/۲۲ این کمیته‌های هماهنگی را امضا نهاد. در کنار امضای "راه کارگر" در زیر اعلامیه کمیته هماهنگی برلین غربی، این امضاها نیز به چشم می‌خورد: "سازمان دانشجویان ایرانی هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران آلمان غربی (جناح توکل)، جریان انقلاب سوسیالیستی، پیکارگر، انجمن هواداران مبارزه مسلحانه هم استراتژی و هم تاکتیک، جمعی از دانشجویان و پناهندگان ایرانی در برلین غربی (۴)، اتحاد دانشجویان سوسیالیست انقلابی، ترکیب کمیته فرانکفورت نیز با کمیته برلین غربی چندان فرقی ندارد. عده‌ای هستند که پاهای اصلی آنها را ضد کمونیستهای حرفه‌ای (راه کارگر با چند درجه تخفیف آنها را فقط ضد لنینیسم می‌نامد)، هواداران پیکار سابق (به قول خودشان هواداران سابق پیکار) و بالاخره مرد میدان آشوبگرها، جماعت توکل گرایان تشکیل می‌دهند.

در آغاز، بنا بر توسیفات اعلامیه ۸۶/۵/۲۴ کمیته خارج از کشور "راه کارگر"، حرکت این کمیته‌ها مبتنی بر "وحدت نظر عموم گروههای سیاسی" شرکت کننده در آنها بود. در این کمیته‌ها همچنان که در اعلامیه ۸۶/۵/۲۲ برلین غربی می‌بینیم حتی

راه کارگر و جناح توکل تا بدان حد وحدت نظر داشتند که فراموش کردند همه روابط خود را با یکدیگر قطع کرده‌اند. اما این وحدت نظر نتوانست به طور کامل به وحدت عمل منجر شود. توکل گرایان بر عمل پای فشردند و بنا بر هژمونی خود در کمیته‌های مذکور به نظر غالب در این کمیته‌ها وفادار ماندند. آنها در جمعیت عده‌ای دیگر از هم سخ‌های خود در

"نیروهای مترقی و انقلابی" اسبق منزوی شد. "راه کارگر" با پرنسپ تر از آن بود که با توکل گرایان وضد کمونیستهای حرفه‌ای و مجموعه آن نیروهایی که خود این سازمان از نزدیک با آنان آشناست، برای همیشه همدست و همصدا بماند. "راه کارگر" دانست که نمی‌تواند در مصاف با ما شعارهای آشوب آفرینان حرفه‌ای را تکرار کند.

پیرامون بخشنامه جدید "راه کارگر"

همان شعارهایی که لاپد به کوش نویسنده مقاله "اکثریت و نعل وارونه دمکراسی" ("راه کارگر" شهریور ماه) نیز رسیده است.

بنا بر این لازم شد خط تازه‌تری پیش گرفته شود. ماحصل بحث و فحش‌ها، بخشنامه نشریه "راه کارگر" شهریور ماه از آب درآمد. بدینسان دیده شد که "سازمان کارگران انقلابی ایران" (راه کارگر) برای رسیدن به خط تازه در عرض همین چهار پنج ماه چه مشکلاتی را متحمل شده است. این سازمان در هر کامی که در این مسیر برداشت ناچار شد مشخص‌تر سخن گوید. ابتدا بنا بود که "نباشند"، آنگاه گفته شد "نباشند، اما ما با درگیری فیزیکی مخالفیم" و حالا گفته می‌شود "اگر آنها باشند، ما نیستیم!"

جوهر بخشنامه جدید همین جمله آخر است. در این بخشنامه صراحتاً خطاب به ما گفته شده است: "آقایانی که به ما درس دمکراسی می‌دهید، آیا این را نیز جزو حقوق دمکراتیک ما به رسمیت می‌شناسید که با شما... زیر یک سقف نایستیم؟" (ماده ۲) پاسخ ما چنین است: شما مختار و آزادید. اما در عین حال متعهدید. به مارکسیسم - لنینیسم متعهدید، به جنبش جهانی کمونیستی متعهدید، به انقلاب متعهدید. اگر پای این تعهد خود استفاده‌اید بنا بر این، آنقدرها عم "آزاد" نیستید. منظورمان درماده سوم این بخشنامه از "سقف" چیست؟ اگر مکانهای مسقف در خارج از کشور است که خوب، با این بخشنامه خودتان را محدود می‌کنید. اگر مکانهای مسقف در داخل کشور است، مشکلاتتان بیشتر می‌شود. اگر منظورتان از "سقف"، یک مقوله معناری نیست و این سقف پارسیایی وایدئولوژیک دارد، در آن صورت

چگونه به تبیین این انفصال می‌پردازید؟
رفقای عزیز!

از مرز تراشی حرکت نکنید، در جهان جای کوچکی برایتان می‌ماند. به قول یک شاعر معاصر ارمنی دوره هملت‌ها به سر رسیده است. روزگاری بود که هملت نمی‌توانست تصمیم بگیرد او انسان منزله و بزرگوار بود. نمی‌خواست خطا کند. او در این که قاتل پدرش کیست تردید داشت. تلاش کرد. به نقش آفرینان نیز توسل جست تا معضای ذهنی او را حل کنند. اما جهان، اکنون آن گونه نیست. جهان معاصر ما با همه پیچیدگی‌های خود ساده است. امپریالیسم قاتل همه "پدر" هاست. و در اینسو سوسیالیسم ایستاده است. آیا هنوز تردید جایز است؟ مشخص‌تر سخن گوید. حقیقت مشخص است. آیا هنوز تردید جایز است؟ پس مادر زیر یک سقف ایستاده‌ایم، سقفی که پایه آنرا مارکسیسم - لنینیسم و ستونهای استوار آنها را کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیستی تشکیل می‌دهند. کجا می‌خواهید بروید؟ آنسو تر هیچ خبری نیست. دست کم برای شما هیچ خبری نیست.

ممکن است بگویید که مادر ماده ۵ بخشنامه خود پاسخ این ایرادات را داده‌ایم. شما در آنجا گفته‌اید که دفاعتان از اردوگاه سوسیالیسم، نمی‌تواند حلقه اتصالات با ما باشد. طبیعتاً نحوه دفاع امروزیتان از سوسیالیسم عملاً موجود، ست‌تر از آن است که بتواند حلقه اتصال مستحکمی بین ما باشد. حلقه‌های مختلف را پیازمایید. در آغاز نه برای اتصال با ما، بلکه برای اتصال با همه آن پدیده‌هایی که در جهان امروزین ما تجسم عینی مارکسیسم - لنینیسم هستند. اگر به حلقه مستحکمی دست یافتید آنرا عرضه کنید، به همگان عرضه کنید و آنگاه در زمینه تلاش امروزیتان برای مرزبندی تصنعی، با ما به قضاوت بنشینید.

ما حرکت شما را در رابطه با آشوب آفرینی در خارج از کشور، از اعلامیه مشترکتان با آن جماعتی که نامشان را بردیم و توصیفشان کردیم تا بخشنامه اخیر، مثبت ارزیابی می‌کنیم. این حرکت می‌بایست ادامه یابد. جای شما در آن کمیته‌های آشوب آفرینی نبود. اکنون به جایی رسیده‌اید که نمی‌دانید در کجای جهان ایستاده‌اید. این حرکت بی‌گمان تابی از حرکت عمومی سازمان شاست. نیروی محرکه این حرکت

آنکه نامخت از گذشت روزگار

این کشورها را جمع کرده و بیاری می‌طلبید. برای جناح توکل این نشیب ژرفی است. در امتداد سقوط، آیا پایان راه است؟ مبادا که چنین باشد. ولی آنانی را که از همه این سالها هیچ نیاموختند و بسا چیزها را که فراموش کردند، سرانجام مخوفی در انتظار است. آنان آیا می‌توانند آنچه را که از آن سالهای دور هنوز فراموش نکرده‌اند از یشت زنگارهای ضخیم سیاه بیرون کشیده و رهائی یابند؟ آرزوی ما اینست.

* * *

سقوط آنان است. به کار برد توانی نیازمند نیست. کافی است آماجی را که در فرازشانه کرده بودی فراموش کنی و رها کنی. تداوم سرکشتگی، حرکت به سوی پستی را ناکزیر می‌کند. اما جناح توکل این بخت بد را هم داشته که برای طی همین مسیر آنان، از یاریهای فراوانی بهره‌مند بوده است. یاری آنانی را نمی‌گوییم که خود در نه دره جای دارند. این جماعت همان کرده‌اند که می‌بایست. بی‌ریسه‌هایی که با باد به هرسو (و در پایان به اعمال) پرت می‌شوند و در خارج از کشور با عناوین بسیار و دعای کُراف سرگردانند را نیز نمی‌گوییم. بر آنان خرجی نیست. آن سازمانهایی را می‌گوییم که زشتی و روش جناح توکل را درمی‌یافتند و به آن اذعان داشتند، اما هنگامیکه جناح توکل به بلواآفرینی از طریق برخورد با سازمانی می‌پرداخت که اینان آن را خوش نمی‌داشتند، شعشان را نمی‌توانستند پیشه دارند و خود را آلوده به پشتیبانی از توکل کردند. اکنون که آن رفتار در تداوم منطقی خود، مرزی را شکسته و عقوبت بی‌رحم بن آن پدیدار شده است، این سازمانها وظیفه دارند با بازاندیشی به آنچه که کرده‌اند مسئولیت خود را دریافته و در تبری از آن نه تنها منتهای راه که همه مراحل پیشین را نیز محکوم نمایند. اینکه اینان در همدستی با بدکاریهایی جناح توکل خطا کرده‌اند، تأسف‌آور است، اما اگر اکنون نتوانند وظیفه خود را در قبال آن با برخوردی صادقانه و شجاعانه دریابند چیزی فراتر از آن خواهد بود. اقلیت از گذشت روزگار نیاموخت. اکنون گذشت روزگار اقلیت درسهای بسیاری می‌دهد. از روزگارش بیاموزید.

می‌بینیم. چنان شده‌اند که دیگر کسی نمی‌داند آنان را چه بنامند. مصطلح‌ترین عنوانشان "جناح توکل" است، چه حقارت‌بار! اینان که اندو از کجا آمده‌اند و چرا با خود چنین کرده‌اند؟ حیف آنان که اکنون در جنبش به طاعونی مطرودی مانده شده‌اند، تنها، خشکین و درمانده. این همه حق آنان نبود. اگر چه خود کرده‌اند و درمقل می‌گویند که "خود کرده را هیچ تادیب نیست".

* * *

انگیزه ما در نظر بر روزگار اینان، گام بلندی است که اخیرا بسوی انحطاط برداشته‌اند و در پاریس و فرانکفورت نمود یافته است. در این دو شهر چه کرده‌اند؟ در فرانکفورت این‌بار فارغ از هر ننگ و نامی به پلیس مراجعه کردند، آنان را به محل فعالیت هواداران سازمان ما در دانشگاه کشاندند و با پرونده‌سازی کوشیدند این امکان را فراهم آورند که آنان بتوانند مانع کار کرد مبارزاتی فدائیان خلق گردند. در پاریس به مقامات قضائی فرانسوی مراجعه و علیه مجاهدین طرح شکایت کردند تا دولت فرانسه بتواند برای مجاهدین محدودیت‌های ناهای فراهم آورد. این کارها به چه معنی است؟ شاید بوزخند زنان پاسخ داده شود که "جناح توکل" است دیگر! نکته تازه‌ای که نیست، مگر کم بلوا آفریده، اینکه چیزی نیست، همدیگر را هم می‌کشند.

اما حقیقت این نیست. در مناسبات میان نیروهای ایرانی در خارج از کشور ناپسمانی‌های درد انگیزی وجود دارد، اما از دیرباز، از سالهای بسیار دور، سنت پسندیده‌ای شکل گرفته و باقی‌مانده است که بر مبنای آن این نیروها به هیچ رو در حل اختلافات میان خود مداخله پلیس و دیگر دستگاههای حکومتی کشورها را نمی‌پذیرفتند. علیرغم هر چیز، این سنت تا به امروز پاسداری شده است. هیچ کس، هر چه که منوط، جرات نکرده است آشکارا آنرا زیر پا نهد. اکنون جناح توکل در روند سقوط آزاد به این انجام درد انگیز رسیده که این سنت شریف را گستاخانه و آشکارا لگدمال کرده و برای بازداشتن آن کسانی که مخالف خود می‌پندارد، مستقیما به پلیس و مقامات حکومتی

بقیه از صفحه آخر
سقوط اقلیت آغاز آرامی داشت اما بتدریج تندی گرفت. در طبیعت، وقتی که سقوط آغاز می‌شود از شتاب گریزی نیست. طبیعت قانون زمخت خود را دارد. در جامعه اما همواره چنین نیست. هرگاه که سقوط ناشی از ضرورتی ماهوی نباشد، آگاهی اگر به‌تکام به یاری بیاید، می‌تواند روند را بازگرداند. اما آگاهی همان عنصری بود که اقلیت در بهره‌گیری از آن دیگر توانائی اندکی برای خود باقی نگذاشته بود. پس دوراندیش‌ها (و نه فقط آنان) نگران از عاقبت تیره‌ای که پدیدار می‌گشت و در نفرت از پلشتی فزاینده، خود را از میانه آنچه که همچنان اقلیت نامیده می‌شد، بیرون کشیده و جدا شدند.

اقلیت در همان سالهای سقوط آرام، از آن سن شریف سازمان ما، از شوق آموختن، تصور در نقد کردن و تجارت در کار بست آنچه که دریافته می‌شد، فاصله گرفته بود. فاصله کم به کم اما دم به دم افزوده شده بود. دانش انقلابی به ششیر می‌ماند. در کف هر کسی جا نمی‌گیرد. دستان ششیر زن خیره نه فقط با قبضه ششیر خومی‌گیرد، که با آن شکل گرفته و ترکیب می‌شود. دانش انقلابی و شور و شوق مبارزاتی توأمان یکدیگرند، برهم سوار می‌شوند و در یکدیگر می‌دمند، درهم ترکیب می‌شوند، یگانه می‌شوند و به سوی فراز عروج می‌کنند.

اقلیت آن بازمانده دانش را چگونه می‌توانست به کار بندد، وقتی که در شوق و شوری در خور تنیده نشده باشد، از بازمانده شور چگونه می‌توانست بهره بگیرد وقتی که نادانی ستوده می‌شود. شور و شوق مبارزاتی از سرشتی است که سرشار از عشق به مردم است و لاجرم به سازش با دشمن نمی‌اندیشد. اما سالهای سقوط، گنج‌سری را افزوده کرد و دیگر همه چیز، نه هنوز بازگرنه، که کج و معوج شد. کدام مردم و که دشمن است؟ نه فقط با دشمن، با کسانی دشمنی کردند که دوست بودند، نه فقط با دوست، به کسانی مهر ورزیدند که دشمن بودند. دیگر از شوق و شوره می‌ماند؟ بر آنچه که ماند زنگار سیاهی نشست که به سوی ژرفا می‌رفت. اقلیت چه چیزهای شریفی را که فراموش کرد! بدینگونه، سقوط پر شتاب شد و اقلیت به آنجا رسید که اکنون

چیست؟ در مورد این نیروی محرک تنها خود شما تصمیم گیرنده نیستند. شما مایلید فقط از زاویه منافع گروهی خود حرکت کنید. ارزیابی‌تان از خودتان و از دیگر نیروهای جنبش غیرواقعی است. به میزان زیادی هم خودتان ارزیابی‌های غیرواقعی‌تان را غیرواقعی‌تر ارائه می‌دهید. مثلا دوست دارید ما آن چیزی باشیم که شما در لحظه فعلی دلتان می‌خواهد. از همین نظر تلاش می‌کنید بر سیمای ما غبار بپاشانید. نشریه مردامه شما تجسم این تلاش است، فحاشی‌های نشریه اخیرتان نیز، مواضع مارا تحریف می‌کنید، ارزیابی مسئولانه سازمان مارا از گذشته خود به عمد در زیر سایه می‌برید و گمان می‌کنید با این شیوه به خود "هویت" می‌بخشید. این نیروی محرک، این گونه حرکت از مواضع سکنا رستی و غیرمسئولانه، تنها نیروی خودتان را به هرز می‌دهد. اما موتور حرکت شما فقط این نیست. گفتیم که شما آنقدرها هم "آزاد" نیستید. یابندگان، به امر انقلاب، پایبندی، به مارکسیسم - لنینیسم و پذیرفتن اصل انترناسیونالیسم پرولتری، فید و بندهایی با خود می‌آورد. تجربه کردن و عمل کردن، چفت و بست این فید و بندها را محکمتر می‌کنند. این "فید و بندها" به شما جهت می‌دهد، حتی اگر موتور اول، مسیر دیگری را پیش پایتان بگذارد. اما شما از این الزامات عینی، فقط به طور کلی حاضرید سخن گویند. به مقوله اتحاد بن‌تیریم. دریافته‌اید که بی‌اتحاد نمی‌توان کاری از پیش برد. شاید با آکراه به این نتیجه رسیده باشید. فهمیده‌اید که تعهد به انقلاب، مجبورتن می‌سازد. اما می‌خواهید به این اجبار گردن ننهید. از این مقوله فقط به طور کلی حاضرید سخن گویند. خطاب به یک سلسله "نیروهای انقلابی" موهوم اعلامیه می‌دهید. چرا اسشان را نمی‌گویید؟ چرا نمی‌گویید برنامه‌تان برای اتحاد کلی چیست؟ باز هم کلی سخن خواهید گفت. اما تاکی می‌توان فقط با این و آن مرز کشید و گفت که از این جهان بزرگ چند متر مربع به من نوعی می‌رسد. حرف مشخص بزنید. طلسم کلی‌گویی را بشکنید. برنامه بدهید. بتویند هویتتان چیست. شما که خوب به معنا و مفهوم "بحران هویت" آشنا هستید. ارزیابی‌تان را از خود و دیگران واقعی کنید. شما هنوز به مساله قدیمی "بحران هویت" پاسخ نگفته‌اید.

در جشن "اومانیته"



بازدیدکنندگان از نبرد نیروهای پیشرو جهان بود.

جشن اومانیته در شرایطی برگزار گردید که دولت دست راستی شیراک طرفندهای متعددی در تنگ کردن عرصه فعالیت حزب کمونیست فرانسه بکار گرفته است. دولت شیراک طی شش ماهی که سکان قدرت را به دست گرفته، سانسور ضد کمونیستی شدیدی بر راه انداخته است. رسانه های دست راستی در ماههای اخیر، همه توان تبلیغی شان را در جهت خنثی ساختن همبستگی مردم فرانسه با خلقهایی که در راه رهایی و بهروزی پیکار می کنند، به کار گرفته اند. آنها در فضای بیمارگونه ای که پدید آورده اند، تلاش می ورزند تا سموم نژادپرستانه را در مردم تزریق نمایند. در چنین شرایطی حزب کمونیست فرانسه جشن اومانیته را به عرصه همبستگی با خلقهای جهان بدل کرد که حضور هیات های نمایندگی متعددی از آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین از جلوه های آن بود.

هیات نمایندگی سازمان ما، یکی از هیات هایی بود که در این جشن حضور داشت. سرپرست هیات نمایندگی سازمان، در این جشن با مسئولین و اعضای دیگر هیات های شرکت کننده دیدار و گفتگوهای ثمربخشی به عمل آورد. در این دیدارها شرایط کنونی میهن ما و مواضع سازمان تشریح گردید.

غرفه "کار" ارگان کمیته مرکزی سازمان، افشاگر تبهکاری های رژیم

جشن روزنامه اومانیته (ارگان حزب کمونیست فرانسه) به مقابله بزرگترین اجتماع سیاسی و فرهنگی فرانسه، امسال نیز در پاریس با موفقیت و شکوه فراوان برگزار گردید.

با وجود هوای بسیار ناساعد و باران شدید، ۶۰۰ هزار نفر از محل جشن دیدار کردند. جشن ارگان حزب کمونیست فرانسه، جشن آزادی، جشن همبستگی با خلق های دربند جهان بود. در محل جشن دهما غره برپا گشته بود که به احزاب و سازمان های میهمان اختصاص داشت. غرفه هایی نیز ویژه بحث و تبادل نظر درباره سلاح های اتمی و راه های جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی بودند.

در محوطه ای به مساحت ۲۵۰۰ مترمربع از محل جشن "دهکده کتاب" بمثابه نمایشگاه معتبری از کتابهای منتشره برپا شده بود. در این مرکز بخش مهمی از کار فرهنگی و سیاسی حزب کمونیست فرانسه به پیش برده می شد. هدف برپایی "دهکده کتاب" عرضه کتابهای منتشره شده به زبان فرانسه و تشویق به مطالعه بود.

در جشن امسال ۷۶ هیات نمایندگی از سوی احزاب کمونیست و سازمان های سیاسی دیگر، از کشورهای مختلف جهان شرکت داشتند. احزاب و سازمان های کمونیست و دمکرات از عزم راسخ مردم جهان در مبارزه علیه تجاوزگری های امپریالیسم و محافل وابسته بدان سخن می گفتند. راستای فعالیت نیروهای شرکت کننده در جشن جلب حمایت گسترده تر

اومانیته ادامه داشت فعالیت های فدائیان خلق در فرانسه، برای افشای هرچه وسیعتر رژیم خمینی و جلب گسترده ترین همبستگی با مردم ایران، ستایش برانگیز بود.

حزب توده ایران یکی دیگر از سازمان های شرکت کننده در این جشن بود. رفقای توده ای با برپایی غرفه "نامه مردم" و ارائه نشریات، بولتن ها و بروشورهای متعدد، به افشای تبهکاریهای رژیم ولایت فقیه پرداختند.

دیگر شرکت کننده ایرانی جشن اومانیته، حزب دمکرات کردستان بود. بازدیدکنندگان از غرفه ای که توسط این حزب برپا شده بود، با گوشه هایی از مقاومت خلق کرد در برابر تهاجمات و جنایات رژیم جمهوری اسلامی آشنا می گردیدند.

جشن اومانیته در محبلی از احساسات پرشور ضد امپریالیستی و در فضایی که دوستی و همبستگی مبارزاتی در آن موج می زد، پایان یافت.

خمینی و سختگوی پیکار قهرمانانه فدائیان خلق علیه پیدادگری جمهوری اسلامی بود. غرفه "کار" با طرح های زیبای ایرانی و شعارهای دارای مضامین ضد جنگ و اخلاق و خواست آزادی زندانیان سیاسی میهن ما و همبستگی بین المللی تزیین شده بود. این غرفه مورد بازدید عده بسیاری از مردم قرار گرفت. بازدیدکنندگان همبستگی خود را با مبارزات مردم ما ابراز داشتند. توزیع وسیع اسناد پلنوم به زبان فرانسه، نول دو ایران (اخبار ایران) و همچنین بروشور اطلاعاتی علیه جنگ ایران و عراق با استقبال چشمگیر شرکت کنندگان روبرو شد. نمایشگاه فجاپ و مصایب جنگ ایران و عراق نیز مورد بازدید عده زیادی قرار گرفت و بازدیدکنندگان نفرت خویش را از ادامه جنگ بیان داشتند. برای ایرانیان مفیم پاریس که در این جشن شرکت کرده و از غرفه کار بازدید به عمل می آوردند، نشریات، کتابها و اعلامیه های سازمان به زبان فارسی وجود داشت. در طی دوروی که جشن

لندن: همبستگی با کارگران چاپ

ماه گذشته تقاضاهای وسیعی در حمایت از ۵۵۰۰ کارگر چاپ که توسط رابرت مرداک سرمایه دار استرالیایی اخراج شده بودند، در لندن برگزار گردید. بدعوت کمیته برگزار کننده، زنان فدایی در بریتانیا در این تقاضاهای شرکت جستند و نماینده ای از سوی آنان به ایراد سخنرانی در همبستگی با مبارزه کارگران چاپ علیه اخراج پرداخت و حمله به حقوق اتحادیه ای را محکوم نمود. وی همچنین سیاست های ضد کارگری و زن ستیزانه رژیم خمینی را افشا کرد و راهپیمایان را در جریان مبارزه گسترش یابنده مردم ایران برای صلح، آزادی، عدالت و پیشرفت اجتماعی قرار داد.

پا برهنه های سیاه

با سیاه های پا برهنه. چندان فرقی نمی کند. اگر فرقی می کرد شاید آپاراتی موضوعیتی نداشت. به عکس بنگرید. اراده شان را

اینجا سووتو است، شهر دو میلیون نفری سیامپوست نشین در حاشیه (!) ژوهانسبورگ. و اینان که می بینید سیاهانند، پا برهنه های سیاه و



سخنرانی اورتنگا در کنگره جهانی سندیکاها

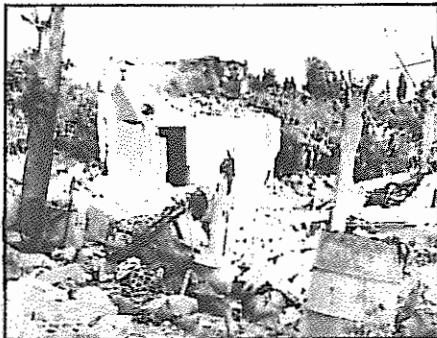
سه‌شنبه گذشته در برلین، پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان، یازدهمین کنگره جهانی اتحادیه‌های کارگری آغاز به کار کرد. بیش از ۱۰۰ سخنران که طی چهار روز نخست کارکنان کنگره، به ایراد سخنرانی پرداختند، مسابقه تسلیماتی را به عنوان عامل تعیین کننده در کاهش سطح رفاه زحمتکشان محکوم کردند. سخنرانان، بر ضرورت برقراری پیوند میان مبارزه برای ترقی اجتماعی و یکپارچه راه حفظ صلح تاکید ورزیدند.

از سخنرانان برجسته یازدهمین کنگره فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری دانیل اورتنگا رئیس‌جمهور نیکاراگوئه بود. وی در نطق خود گفت مزدوران آمریکا در جنگ کثیف خود علیه نیکاراگوئه تاکنون ۲۲ هزار تن، از جمله ۱۱۰۰ کودک زیر ۱۲ سال را به قتل رسانده‌اند. میزان خسارات وارده به نیکاراگوئه در این جنگ، ۲/۲ میلیارد دلار است.

نمایندگان بیش از ۲۰۰ میلیون عضو اتحادیه‌های کارگری از ۱۵۴ کشور که در کنگره برلین گرد هم آمده‌اند، همبستگی خود را با انقلاب نیکاراگوئه ابراز داشتند.

اخبار کوتاه

* هلی‌کوپترهای جنگی اسرائیل چند دهکده در دره بقاع لبنان را مورد حمله قرار دادند در این حملات ۲۱ سرباز فرانسوی نیروهای سازمان ملل به قتل رسیدند. عکس، ویرانی‌های ناشی از یورش هلی‌کوپتر اسرائیلی را نشان می‌دهد.



* در دوشهر شاربویل و سوتوی آفریقای جنوبی، نیروهای امنیتی رژیم بوتاهفته گذشته چهار نفر از مردم سیاهپوست را به قتل رساندند. شاربویل هفته گذشته شاهد اعتصاب ساکنان این شهر علیه اخراج عده‌ای از مستأجران از خانه‌هایشان بود.

* وزرای خارجه بازار مشترک اروپا پس از کشمکش‌های طولانی، نتوانستند به توافق برای قطع واردات زغال‌سنگ از آفریقای جنوبی دست یابند. بازار مشترک تنها به منب ورود آهن، فولاد و سکه‌های طلا از آفریقای جنوبی اکتفا کرد.

* نیکلای تالینین، معاون اول رئیس‌جمهوری وزیران اتحاد شوروی، از پکن دیداری به عمل آورد. وی دیدار خود را از چین کامی به پیش در مناسبات دو کشور دانست.

موج عملیات تروریستی در فرانسه

برپاشد، از جمله موضع حزب کمونیست فرانسه در قبال رویدادهای اخیر این کشور را تشریح نمود. وی ضمن محکوم کردن تروریسم، اظهار داشت: "ما می‌گوییم بهترین راه برای تروریسم، نابود کردن ریشه‌های آن، از بین بردن سوداگری‌های ایدئولوژیک و سیاسی هم‌پیوند با آن و حل مسایل مورد اختلاف بین‌المللی در چارچوب مذاکرات و از طریق مسالمت‌آمیز است." وی در این مصاحبه اعلام داشت که "در طول حکومت ۶ ماهه دست‌راستی‌ها، سانسور ضد کمونیستی تشدید شده است. دیروزی یکی از کانال‌های تلویزیونی از پخش مصاحبه مطبوعاتی پل‌لران (دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه) در رابطه با تروریسم خودداری کرد.

طی دو هفته گذشته، یک سلسله عملیات تروریستی در پاریس انجام گرفت. تاکنون در بمب‌گذاری‌هایی که مسئولیت آن را، گروهی به نام "کمیته برای آزادی زندانیان عرب" به عهده گرفته است، ده‌ها تن کشته و زخمی شده‌اند. این گروه خواهان آزادی ابراهیم عبدالله، رهبر یک گروه افراطی شیعه لبنانی شده که به اتهام انجام عملیات تروریستی در فرانسه به زندان محکوم گردیده است. در پی بمب‌گذاری‌های پاریس، کنترل پلیسی در این شهر به اوج خود رسید. حتی برخی مطبوعات غرب، وضع پاریس را به شهری که در آن حکومت نظامی اعلام شده است تشبیه کردند.

رولان لورو سردبیر روزنامه اومانیتیه ارکان حزب کمونیست فرانسه در یک مصاحبه مطبوعاتی که در آستانه برگزاری جشن مطبوعاتی این روزنامه

اعلامیه جبهه "مانوئل رودریگز" درباره تروریسم

پرسنل شافل و بیشین نیروهای مسلح شیلی، آمده است در ساعت ۱۸ و ۴۰ دقیقه یکشنبه ۷ سپتامبر، سه واحد از نیروهای جبهه، شامل ۲۵ نفر، برای کاروان پینوشه و همراهان او کمین گذاشتند و محافظان دیکتاتور را غافل‌گیر کردند. به دنبال ۱۰ دقیقه زدو خورد، چریک‌ها در حالی که خود را به عنوان همراهان پینوشه معرفی می‌کردند، عقب‌نشینی را آغاز نمودند. چریک‌ها چنین عقب‌نشینی چندین بار از کنار اتومبیل‌های ارتش، پلیس و نیروهای امنیتی رد شدند و حتی با سلام نظامی از آنها استقبال شد. همه شرکت‌کنندگان در عملیات، سالم به پایگاه‌های خود بازگشتند.



جبهه مانوئل رودریگز باتوجه به جنایات

بی‌شمار پینوشه، اقدام برای قتل او را کاملاً موجه و مشروع دانسته است. این جبهه از پرسنل نیروهای مسلح خواسته است حساب خود را از پینوشه جدا کنند تا مشمول مجازات از جانب خلق نگردند.

"جبهه میهنی مانوئل رودریگز" همچنین اعلام داشت همه اعضای این سازمان در شیلی به سر می‌برند و هیچ یک بازداشت نشده‌اند. اسلحه جبهه، تماماً در داخل کشور تهیه می‌شود. رژیم پینوشه مدعی شده بود سلاح‌هایی را که گویا از خارج برای چریک‌ها ارسال شده بود، کشف کرده است.

سه تن از اعضای جبهه میهنی مانوئل رودریگز

همان‌گونه که در شماره پیش "اکثریت" به اطلاع خوانندگان رساندیم، "جبهه میهنی مانوئل رودریگز" مسئولیت ترور نافرجام ژنرال پینوشه دیکتاتور شیلی را به عهده گرفت. این جبهه طی اعلامیه‌ای، جزئیات این عملیات را منتشر ساخته است.

در اعلامیه مزبور، ضمن معرفی جبهه مانوئل رودریگز، به عنوان سازمانی متشکل از

اعلامیه حزب کمونیست ترکیه

محاکمه اعضای حزب کمونیست ترکیه در آنکارا، ۲۸۸ میهن‌پرست به ۱۶۲ سال زندان محکوم شدند. طبق اعلامیه حزب کمونیست ترکیه، ماه گذشته محاکمه‌ای علیه اعضای حزب که در سال ۱۹۸۲ آغاز شده بود، پایان یافت. ۷۵۰ تن به زندان‌های تا ۱۵ سال محکوم شدند.

حزب کمونیست ترکیه در اعلامیه خود می‌افزاید برای پیشبرد مبارزه جهت احیای دمکراسی در ترکیه، آزادی زندانیان سیاسی و پایان بخشیدن به محاکمات سیاسی ضروری است.

به مناسبت شصین سالگرد کودتای آمریکایی در ترکیه، حزب کمونیست ترکیه در اعلامیه‌ای شمای از کارنامه سیاه رژیم نظامی در این کشور را برشمرده است. حزب کمونیست ترکیه در اعلامیه خود خاطرنشان می‌سازد رفیق خیرالله اوغلو، عضو کمیته مرکزی حزب و جمعی دیگر از اعضا و هواداران حزب توسط دژخیمان رژیم در برابر شکنجه جان باخته‌اند. در محاکمات علیه اعضای حزب کمونیست ترکیه، تنها وابستگی به حزب برای تنظیم کیفرخواست علیه متهمین مبنا قرار می‌گیرد. در ماه مارس ۱۹۸۵ طی

جنگ ایران و عراق در مطبوعات غرب

آنکه نامخت از گذشت روزگار

شش سال پس از آغاز جنگ ایران و عراق، جنگی که بیش از جنگ جهانی دوم به طول انجامیده است، مطبوعات و رسانه‌های گروهی امپریالیستی، درباره آن به روالی خبر و گزارش منتشر می‌کنند که گویا این کشتار بزرگ ابعاد، نه بر روی زمین بلکه بر روی سیاره‌ای دور دست جریان دارد. در حالی که رسانه‌های امپریالیستی، خود موجبات "به فراموشی سپردن" این فاجعه روزمره را فراهم آورده‌اند، از آن به عنوان "جنگ فراموش شده" نام می‌برند. خیر به خاک و خون غلتیدن هزاران تن در این سو و آن سوی جبهه‌ای به طول ۱۲۰۰ کیلومتر، فقط وقتی "ارزش" انتشار می‌یابد که بخواهند "شریان حیاتی" صدور نفت به کشورهای سرمایه‌داری را در "خطر" نشان دهند. بدین لحاظ، نحوه گزارش دهی مطبوعات و رادیو تلویزیون کشورهای امپریالیستی درباره جنگ ایران و عراق، در ششمین سال این جنگ نیز که اکنون رو به پایان است، با سال‌های پیش از آن تفاوت اساسی نداشت. هنوز هم برای رسانه‌های بورژوازی غرب، آتش گرفتن یک نفت کش خبر بسیار "داغ" تری است تا بمباران این یا آن شهر ایران و عراق.

"حمله نهایی"

از چند ماه پیش بدین سو، مطبوعات غرب در گزارش‌هایی که پیرامون جنگ ایران و عراق به چاپ می‌رسانند، با اشاره به مشکلات اقتصادی رژیم فقها پیش‌بینی می‌کنند در آغاز هفتمین سال جنگ، "حمله نهایی" جمهوری اسلامی علیه عراق صورت پذیرد. این مطبوعات از قول "کارشناسان" خود می‌نویسند طراحان نقشه‌های نظامی رژیم خمینی، به یصره چشم دوخته‌اند. برخی مفسرین غربی در این زمینه حتی تاحد تشویق مستقیم رژیم جمهوری اسلامی پیش می‌روند، توان رژیم فقها را بیش از آنچه هست جلوه می‌دهند. مجله آمریکایی "تایم" در شماره ۲۸ ژوئیه امسال خود از قول یک مقام وزارت خارجه آمریکا می‌نویسد: "ما اکنون گمان می‌کنیم اکثر عراقی‌ها و رقبای خود را خوب بازي

نکنند، ممکن است جنگ را به‌ازند. سقوط فاو، ضربه روحی جدی‌ای بود." روزنامه "نیویورک تایمز" نیز در شماره ۲۲ اوت خود نوشت: "پاییز، پیش از آن‌که بارندگی‌ها، میادین نبرد را به باتلاق تبدیل کند، یک دوره خشکی موقتی خواهد آورد. آن وقت است که ممکن است ایران تهدید خود را در انجام "حمله‌ای نهایی" علیه بصره، دومین شهر بزرگ عراق، عملی کند. اگر بصره سقوط کند، ممکن است بغداد نیز به همان ترتیب و در پی آن تسخیر شود. آن‌گاه سایه آیت‌الله خمینی سآلخورده، بر فراز خلیج گسترده خواهد شد."

بدون تردید، تحلیل‌گران آمریکایی به خوبی واقفند که جنگ ایران و عراق، راه‌حل نظامی ندارد و فریب تبلیغات فقهی جنگ افروز را مبنی بر این که "لشکریان اسلام" پیروزمندان از دروازه بغداد وارد این شهر خواهند شد، نخورده‌اند. پس هدف از دامن زدن به تبلیغات این چنینی چیست؟

روزنامه واشنگتن پست در ۲۲ اوت، "ابراز تکرانی" مقامات آمریکایی را از زبایت افزایش حملات ایران و عراق به کشتی‌های تجاری بازتاب داد. این روزنامه نوشت طبق آمار نیروی دریایی آمریکا، ایران و عراق از هنگام آغاز حملات به نفت کش‌ها در ۲۷ مارس ۱۹۸۴، ۱۴۴ بار کشتی‌های حامل نفت را مورد حمله قرار داده‌اند. شمار نفت کش‌های مورد حمله قرار گرفته، در سال ۱۹۸۴ به ۴۰ فروند، در سال ۱۹۸۵ به ۴۵ فروند و در هشت ماهه نخست سال جاری به ۵۹ فروند بالغ گردید. واشنگتن پست از قول یک مقام دولت ریکان نسبت به خطر کشیده شدن کشورهای عربی خلیج فارس به جنگ، هشدار داد.

تجربه شش ساله جنگ نشان می‌دهد این قبیل "هشدار"ها و "اعلام خطر"ها چیزی نیست جز توجیهی برای افزایش مداوم حضور نظامی آمریکا در منطقه. پیونده نیست که واشنگتن پست در همان شماره خود، از فرمانده سابق واحدهای دریایی آمریکا در خلیج فارس چنین نقل می‌کند که گویا برای "دفاع از امنیت

بقیه در صفحه ۲

بوربون‌ها دودمانی بودند که تا پیش از انقلاب کبیر فرانسه، در این کشور سلطنت می‌کردند. آنها فریب ربع قرن پس از سقوط، بدنهای برافتادن امپراطوری ناپلئون بناپارت، تاج و تخت سرنگون شده را باز یافتند و خواستند همان کنند که پیش از آن می‌کردند. حال آنکه با چیزها دگرگون شده و فرانسه، انقلابی را از سرگذرانده بود. اما بوربون‌ها را با این حقایق کاری نبود، زیرا که در همه آن سالها "نه چیزی آموختند و نه چیزی را فراموش کردند." در بیان احوال بوربون‌ها این توصیف ماندگار شده است.

بناپذیر همواره یادآوری آن توصیف ماندگار را سبب می‌شود، به لحاظی نیمه اول و به لحاظی دیگر نیمه دوم آن را. اقلیت اکنون بیش از ۶ سال است که حضور مستقل تشکیلاتی دارد. آن زمان که اعلام موجودیت کرده بود، با خود کسانی را داشت که پیش از آن در سازمان ما، وقتی که نظر به گذشته می‌کردند، خود را در ادامه راه کسانی می‌یافتند که سرشار از عشق به مردم بودند و هیچگاه به سازش با دشمن نمی‌اندیشیدند، شوق آموختن و جسارت در اندیشیدن داشتند. اکنون از آن دوران برای اقلیت سالهای بسیاری گذشته است و اقلیت در همه این سالها "نه چیزی آموخت" و در عوض بسیار چیزها را که فراموش کرد و وانهاد.

بقیه در صفحه ۱۲

بی‌گمان "اقلیت" رانمی‌توان و نباید با بوربون‌ها مقایسه کرد. انتساب اتهام ناشایست به هیچ کس شایسته نیست. اما رفتار اقلیت

باید با بوربون‌ها مقایسه کرد. انتساب اتهام ناشایست به هیچ کس شایسته نیست. اما رفتار اقلیت

با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید!

برای اشتراك نشریات "کار" و "اكثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

اروپا		دیگر نقاط	
۱۱ مارك	۱۳ مارك	۲۴ مارك	۲۱ مارك
۳ مارك	۲۱ مارك	۲۴ مارك	۲۱ مارك
اروپا		دیگر نقاط	
۲۷ مارك	۳۰ مارك	۵۸ مارك	۱۰۲ مارك
۵۲ مارك	۵۸ مارك	۱۱۵ مارك	۱۰۲ مارك
۳ مارك	۲۷ مارك	۵۸ مارك	۱۰۲ مارك

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

AKSARIYAT
NO. 125
MONDAY SEP 22, 86
Address: Ruzbeh
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:

AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!